دستگیری کارگران و فعالان کارگری در آستانه ی روز جهانی کارگر محکوم است.

آزادی بی قید وشرط تمام کارگران بازداشت شده، تمام کارگران زندانی و لغو احکام قضایی غیرعادلانه برای کارگران، معلمان و کلیه زندانیان سیاسی

خواست تمام زحمتکشان است.

فهرست مطالب

- ✓ **قطعنامه تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری / ص ۲**
- ✓ **سرکوب پنهان با دستمزدهای ۷۱۲ هزارتومانی و جنبش به پا خاسته کارگری**

اتحادیه آزاد کارگران ایران - شاپور احسانی راد / ص ۵

- ✓ **سایه روشن‌های یک چشم انداز**

کانون مدافعان حقوق کارگر - نوید سعادت / ص ۷

- ✓ **اول ماه مه و مطالبات محوری کارگران**

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری / ص ۱۱

- ✓ **بیانیه به مناسبت اول ماه می**

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری / ص ۱۵

- ✓ **موقعیت کنونی جامعه، جنبش کارگری و مردمی و چشم‌انداز آینده آن**

کانون مدافعان حقوق کارگر- علیرضا ثقفی / ص ۱۷

- ✓ **چرا دستمزدها هرگز از افزایش چشمگیری برخوردار نمی‌شود؟**

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری – آیت نیافر / ص ۲۲

- ✓ **گزارش مختصری از برگزاری مراسم اول ماه مه**

در چند سال اخیر / ص ۲۴

- ✓ نگاهی به بیانیه‌ها، مراسم و رویدادهای روز جهانی کارگر در ایران اردیبهشت ۱۳۹۴ / ص ۲۶

قطعنامه تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری

به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۵ – ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران، همبسته‌تر باد اتحاد کارگران، معلمان، پرستاران و نهادها و تشکل‌های مستقل کارگری، پیش بسوی اعتراضات متحدانه و سراسری برای پایان دادن به ستم معیشتی . این فراخوان ما تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه به عموم مردم زحمتکش ایران است.

ما امروز در حالی به مناسبت روز جهانی کارگر دست در دست هم نهاده ایم که بیش از هر زمان دیگری، جنبش عظیم و یکپارچه ای از کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر توده های زحمتکش مردم ایران بر سر معیشت و پایان دادن به فقر و فلاکت در حال شکل گیری است.

وقوع ده‌ها اعتصاب کارگری در جای جای کشور، تجمعات بی وقفه معلمان، اعتراضات متحدانه پرستاران و گسترش مبارزات کارگران از همراهی خانواده های کارگری در اعتراضات گرفته تا طومار نویسی و تجمع در مقابل مجلس و وزارت کار و اعتراضات در صنایع کلیدی همچون صنایع پتروشیمی و معادن و خودرو سازی‌ها که به طور روزمره ای در جریان هستند، همگی تنها گوشه‌هایی از بروز عینی این جنبش اجتماعی است که می‌رود با خلق صحنه های قدرتمندی از اعتراضات متحدانه و سراسری، بساط تحمیل بی حقوقی مطلق و ستم معیشتی بر میلیون‌ها خانوده کارگری را به چالشی تعیین کننده بکشاند.

این جنبش در شرایطی هر روزه ابعاد گسترده‌تری به خود میگیرد که سرمایه‌داری حاکم بر ایران، چنان غرق در چپاولگری و کشمکش بر سر سهم‌خواهی از غارت دسترنج ما کارگران و زحمتکشان است که نه می‌تواند و نه می‌خواهد نقطه پایانی بر وضعیت مشقت بار موجود بگذارد. به همین دلیل نیز هست که با تصویب حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی، تعیین چنین مزد تحقیرآمیزی را بی شرمانه به ما کارگران تبریک می‌گویند و سبعانه‌تر از آن، با عدم پرداخت به موقع همین مزد، تداوم قطع سوبسیدها، افزایش هر روزه قیمت‌ها، آزاد سازی قیمت نان و اعمال ۹ درصد ارزش افزوده بر مایحتاج زندگی، دست به غارت و چپاول بی‌رحمانه‌ای از این دستمزد ناچیز و خفت بار می‌زنند و با سرکوب برحق‌ترین اعتراضات کارگری، محاکمه دسته‌جمعی کارگران معترض و محکوم کردن آنان به شلاق و زندان‌های طویل المدت در صدد به تمکین واداشتن طبقه کارگر ایران به وضعیت موجود و شرایطی مصیبت بارتر از این هستند.

بدون تردید تحمیل فقر و فلاکت روزافزون بر میلیون‌ها خانواده کارگری و سیاست تشدید سرکوب اعتراضات کارگری، نه تنها مفری برای سرمایه‌داری حاکم بر ایران نخواهد داشت بلکه ما کارگران و عموم مردم زحمتکش ایران را به مصافی تعیین‌کننده با وضعیت موجود خواهد کشاند و دیری نخواهد پائید که خشم در حال فوران ما کارگران و مردم زحمتکش ایران از این همه بی حقوقی، سرکوب و استیصال و درماندگی برای گذران زندگی، زمین را بر زیر پای عاملین و مسببین چنین وضعیتی داغ خواهد کرد. لذا ما امضاکنندگان این قطعنامه با هشدار نسبت به تداوم سیاست تحمیل فقر و فلاکت و تشدید کم‌سابقه سرکوب اعتراضات کارگری و اعلام انزجار از تداوم چنین سیاست‌هایی، خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام و مصرانه بر تحقق آنها پای می فشاریم.

۱- ما با محکوم کردن تعیین حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی که با خیمه‌شب‌بازی دولت، کارفرمایان، نماینده های دست‌ساز کارگری و فضا سازی ریاکارانه رسانه های رسمی و حکومتی بر طبقه کارگر تحمیل شد، مصرانه خواهان تجدید نظر فوری در حداقل مزد مصوب و افزایش آن به سه میلیون تومان بر اساس سبد هزینه‌ی مطابق با استانداردهای زندگی امروزی هستیم.

۲- ما با حمایت قاطعانه از اعتراضات بر حق و بی وقفه معلمان و پرستاران، یگانه راه حل پایان دادن به ستم معیشتی موجود را اتحاد و یکپارچگی مبارزات عموم مردم زحمتکش ایران و بروز بیش از پیش آن به مثابه یک جنبش اجتماعی و سراسری می‌دانیم و خواهان تحقق فوری همه مطالبات معلمان و پرستاران هستیم.

۳- ما تلاش‌های دولت و خانه کارگر برای تحمیل تشکل‌های فرمایشی بر طبقه کارگر ایران را که از بالا و به شکل سازماندهی شده‌ای از طریق ایجاد انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های دست ساز به پیش برده می‌شود قویا محکوم می‌کنیم و با فراخوان به کارگران در محیط‌های کار برای برپائی سندیکاها، شوراها و تشکل‌های مستقل کارگری، خواهان پایان دادن به هر گونه ممنوعیت و محدودیتی در ایجاد این تشکل‌ها بدون دخالت دولت و کارفرمایان هستیم.

۴- ما هرگونه سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، اعدام‌های گسترده، صدور احکام شنیع شلاق و زندان‌های طویل المدت بر علیه کارگران معترض و تحمیل شرایط غیر انسانی بر فعالین کارگری دربند و دیگر زندانیان را قویا محکوم می‌کنیم و خواهان توقف فوری اعدامها، لغو مجازات اعدام و شلاق از قوانین قضائی کشور، آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران و زندانیان سیاسی و توقف پیگردهای قضایی بر علیه آنان هستیم.

۵- آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات باید به عنوان حقوق مسلم و خدشه‌ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۶- دستمزدهای معوقه کارگران باید فورا و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت و تاخیر در پرداخت مزد به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی به قانون تبدیل گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود.

۷- ما خواهان تامین امنیت شغلی، بر چیده شدن قراردادهای اسارت بار موقت و سفید امضا، حذف شرکت‌های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاه‌های کوچک تا کارگران مناطق آزاد تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی هستیم.

۸- ما تصویب هر گونه قوانین ضد کارگری تحت هر عنوان و مصوبه ای را قویا محکوم میکنیم و با تاکید بر وجود مواد ضد کارگری در قانون کار موجود، خواهان تغییر آن با دخالت نماینده های واقعی کارگران هستیم.

۹- ما گسترش روز افزون سوانح شغلی منجر به فوت و جرح را ناشی از زیاده خواهی و سود جوئی کارفرمایان و نتیجه سرکوب و پایمال شدن بدیهی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی کارگران می‌دانیم و خواهان اعمال فوری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط‌های کار هستیم.

۱۰- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده‌اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی مطابق با استانداردهای امروزی برخوردار شوند.

۱۱- کلیه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان فورا لغو و برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی باید به رسمیت شناخته شود.

۱۲- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و رفع هر گونه تبعیض و نابرابری در پرداخت مستمری و حقوق و مزایای بازنشستگان هستیم و با تاکید بر اجرای بهداشت و درمان رایگان به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم ایران به مثابه یکی از وظایف اصلی دولت، خواهان باز پس‌گیری طرح ادغام صندوق تامین اجتماعی در بیمه سلامت همگانی، محاکمه علنی و فوری غارتگران این صندوق و

سپردن اختیار آن به دست نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران شاغل و بازنشسته بدون هر گونه اعمال نفوذی از سوی دولت و کارفرمایان هستیم.

۱۳- هرگونه کار کودکان مطلقا باید لغو و آنان می‌باید از تامین اجتماعی کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از جنسیت، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی و وابستگی های ملی، نژادی و مذهبی برخوردار شوند.

۱۴- ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم.

۱۵- ما با تاکید بر ماهیت استثمارگرایانه نظام سرمایه‌داری در همه جای دنیا و قدردانی از حمایت تمامی سازمان‌های کارگری جهان از مبارزات کارگران ایران، پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگری در سرتاسر جهان اعلام می‌داریم و بر همبستگی بین‌المللی کارگران تاکید می کنیم.

۱۶- ما با محکوم کردن جنگ و جنایت و گسترش هر روزه آن در منطقه خاورمیانه، پیش آمدن این وضعیت هولناک و عروج بی سابقه جریانات تروریستی و سیاست وحشت آفرینی در کشورهای این منطقه را حاصل بن بست مناسبات سرمایه‌داری در پاسخ به نیازهای بشر امروز و سیاست‌های ضد انسانی دول غرب و منطقه میدانیم و با فراخوان به کارگران و مردم آزادیخواه در سرتاسر جهان برای اعتراض به جنگ و ویرانگری در منطقه خاورمیانه، خواهان توقف فوری آن هستیم

۱۷- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

اسامی تشکل‌ها و نهادهای کارگری امضا کننده قطعنامه به ترتیب حروف الفبا:

۱- اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۳- سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه

۴- سندیکای کارگران نقاش استان البرز

۵- کانون مدافعان حقوق کارگر

۶- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۷- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری

سرکوب پنهان با دستمزدهای ۷۱۲ هزارتومانی و جنبش به پا خاسته کارگری

اتحادیه آزاد کارگران ایران - شاپور احسانی راد

در فرهنگ عمومی جامعه به درستی " سرکوب " به خشونت آشکار و عریان که با داغ، تیغ، درفش، شلاق، زندان و... همراه است معنی می شود. امروز سرکوب این خوی غیر انسانی به طور عینی و تمام عیار در بربریت و توحش مناسبات نظام سرمایه‌داری متجلی گشته است. اگر در جامعه سرمایه‌داری "سرکوب آشکار" گریبان منتقدین، معترضین و مبارزین را می گیرد و با بگیر و ببند و زدن آنها، بخشی از جامعه را وادار به عقب نشینی می کند، در "سرکوب پنهان" به صورت عامدانه قصد دارند با تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر، کل جامعه را دچار سرکوب معیشتی و وادار به تمکین کنند. این ستم معیشتی به گونه‌ای است که بخش زیادی از احاد اجتماع حتی نمی‌دانند از کجا و چگونه این همه نکبت و مصیبت بر آنها فرود می‌آید. بر کسی پوشیده نیست که استثمار انسان از انسان پلیدترین پدیده ضد بشری در طول تاریخ است و اکنون و در این زمان می‌توان با قاطعیت گفت گرو گرفتن معیشت جامعه، با تحمیل دستمزدهای خفت بار ۷۱۲ هزارتومانی، رذیلانه‌ترین پدیده ضد انسانی است که تا کنون بر میلیون‌ها انسان زحمتکش در یک جامعه روا شده است. داغ ما کارگران وقتی تازه می‌شود که دستمزد خفت بار۷۱۲ هزارتومانی قبل از قرار گرفتن آن دسترنج ناچیز در جیب ما، بخشی از آن به صورت مستقیم توسط مالیات، بیمه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی بلعیده می‌شود و بخشی دیگر از آن بصورت غیرمستقیم با اعمال ۹ درصد ارزش افزوده، گران شدن ۵۰ درصدی آب، برق، گاز، بنزین و آزاد سازی قیمت‌ها و به ویژه نان دزدیده می‌شود و این تازه در شرایطی است که در خیلی از جاها کمتر از این دستمزدهای حداقلی می‌دهند و حقوق‌های ماهیانه، ماه‌ها به عقب می‌افتد. تبعات دستمزدهای زیر خط فقر، پنهان اما بی‌رحمانه خانواده حقوق‌بگیران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پنهان بودن سرکوب معیشتی از آن رو می‌باشد که هر خانواده حقوق بگیر به هر اندازه ناتوانتر از دست‌یابی به بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین مایحتاج خود باشد به همان اندازه در لاک بی‌پناهی خود فرو می‌رود و به طور مطلق فقط خودشان را در موقعیت فقر و نداری و دیگران را در موقعیتی بهتر از خود می بینند و اعتراف تلویحی و حتی صریح دیگران به فقر و نداری را باور نمی‌کنند. مطالبات اعضای خانواده بی‌پاسخ می‌ماند. شرمندگی نان‌آور خانواده از خود شروع و به تدریج سرزنش و نکوهش پیدا و پنهان اعضای خانواده بر سر او آوار می‌شود. با رانده شدن احترام، شان و منزلت انسانی به حاشیه، ارزش‌های درونی خانواده بی‌رنگ می‌شود و انسان در هم می‌شکند و درهم شکستن عزت نفس انسان مساوی است با تن دادن به هر خواری و ذلت. و این طور است که زندگی خانواده کارگر ایرانی معجونی می شود از لحظات اندکی از لبخند و اوقات تلخ و کشداری از حسرت، غم، غصه و سیلاب اشک. نتیجه عینی سرکوب معیشتی، فرو ریختن ارزش‌های انسانی در جامعه بصورت کودکان کار، زنان کارتن‌خواب، بیکاری، خشونت و... است. این چنین است که کسانی از فرط این درماندگی، فقر و استیصال دست به خودزنی و خودسوزی می‌زنند. سئوال اینجاست آستانه صبر و تحمل جامعه تا کجاست ؟ جامعه با این شرایط نابهنجار تا چه زمانی می‌تواند روی این پله درماندگی و بن بست بایستاد؟ جامعه‌ای که بویژه در دو سال اخیر به روشنی دریافته است که سیاست‌های اجرایی دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران نه می‌تواند، و نه می‌خواهد، نقطه پایانی بر وضعیت مشقت‌بار موجود و ستم معیشتی رو به گسترش بگذارد و علیرغم چند دهه سرکوب معیشتی، مصرانه قصد دارد شرایط مصیبت‌بارتری را با تصویب دستمزدهای ۷۱۲ هزار تومانی به زحمتکشان تحمیل نماید، طبیعی است جامعه در مقابل این زخم عمیق و التیام‌ناپذیر بر پیکر نیمه جان خود که اعصاب و روان میلیون‌ها انسان ستمدیده را به لرزش در آورده است هم می‌خواهد و هم می‌تواند بر این ستم معیشتی نقطه پایانی بگذارد. عکس‌العمل غریزی جامعه در مقابل این سرکوب

پنهان معیشتی و سرکوب عریان همه حقوق انسانی خود، گسترش هر روزه و پیش از پیش ابعاد جنبش عظیم اجتماعی کارگران بر سر تعین تکلیف " معیشت و منزلت " می‌باشد. وقوع دهها اعتصاب و تجمع روزانه کارگری در جای جای کشور، اعتراضات و تجمعات کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان در مقابل وزارت کار، مجلس و ریاست جمهوری تنها گوشه‌ایی از این جنبش به پا خاسته کارگری بر سر معیشت است که می‌رود با خلق صحنه‌های قدرتمندی از اعتراضات متحدانه و سراسری، کورسوی امید به تغییر را به مشعلی فروزان در دل ستمدیدگان مبدل سازد و بساط تحمیل بی‌حقوقی مطلق و سرکوب و ستم معیشتی بر میلیون‌ها خانواده کارگری را پایان دهد.

اعتصاب ، تشکل حق کارگر است

در گذر تاریخ

خواسته های کارگران در قطعنامه

اول ماه مه سال ۱۳۰۷

در اعلامیه ای که برای دعوت پخش شده بود، رضا خان آلت دست و عامل امپریالیسم انگلستان معرفی شده بود و کارگران دعوت شده بودند تا مبارزه‌ی خود را علیه سلسله پهلوی تشدید کنند. در این روز بر اثر یورش پلیس صدها کارگر مبارز دستگیر شدند، در این روز کارگران خواست‌های زیر را مطرح کردند:

آزادی اعتصاب – آزادی اجتماعات – روزکار ۸ ساعته – ممنوعیت کار کودکان

اول ماه مه سال ۱۳۰۸

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ ، هزاران کارگر نفت علیه شرکت امپریالیستی ایران و انگلیس دست به اعتصاب زدند که با دستگیری صدها کارگر فعال سرکوب شد. ارتش رضاخان در خوزستان مستقر شد و ناوگان انگلستان در آب‌های آبادان لنگر انداخت. خواست های کارگران شرکت نفت به قرار زیر بود:

قبول نمایندگان کارگران در اداره‌ی کار و هیات بهداشتی – افزایش دستمزد به ٤٥ ریال – پرداخت دستمزد به هنگام بیماری – تامین مسکن از جانب شرکت – روز کار شش ساعته در مناطق گرمسیر – جلوگیری از خرابی خانه‌های کارگران – همطرازی کارگران ماهر و کارمندان ایرانی با هندی‌ها– مقامات ایران مرجع رسیدگی به شکایات باشند– حقوق بازنشستگی پرداخت شود و در صورت فوت مستمری به فرزندان کارگران تعلق گیرد.

سایه روشن‌های یک چشم انداز

کانون مدافعان حقوق کارگر - نوید سعادت

سالی جدی آغاز شده است. در بیم‌ها و امیدها، برای مردم جامعه‌ی ما عموما و برای طبقه‌ی کارگر، خصوصا این بیم‌ها و امیدها به شدت شکل مشترکی می‌یابند. این شکل مشترک نه ناشی از ارتقا سطح رفاه طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان ایران ، بلکه عمدتا تاشی از سقوط سطح رفاه عمومی به پایین ترین مدارج خود است که کلیت مردمان را به یکدیگر نزدیک می‌سازد و این اتفاقی است که اکنون نه در کشور ما که در کل جهان در حال شکل یافتن است.

تمرکز ثروت و رفاه نزد اقلیتی فوق‌العاده ناچیز ، فقر و حرمان در گسترده‌ی همه‌ی بشریت، در مقیاس میلیاردها، مسایل داخلی در چارچوبه‌ی ملی امروز مسایلی کاملا جهانی اند. بیم‌های ملی ، بیم‌هایی جهانی و در مقابل امیدها نیز ما کنون در چه وضعتی قرار داریم؟ آرایش قوا در لحظه‌ی حاضر به چه قرار است؟ دشمنان در چه موقعیتی و ما کجا ایستاده ایم؟ توانایی‌های ما چیست و توانایی‌های آنان کدامند؟ در یک کلام توازن قوا به چه صورت است؟

برای پاسخ باید به بررسی مختصری در اندازه‌های این نوشته پرداخت.

رشد سرمایه‌داری مالی در چارچوبه داخلی در کشور ما ، تنها بر اثر نیازها و تنازعات اشکال مختلف سرمایه در درون این فضاهای ملی نیستند. درست است که غارت منابع نفت و گاز و دلارهای میلیاردی حاصل از آن ، در یک دهه‌ی گذشته انباشت عظیمی از ثروت را پدید آورد که بستر و زمینه رشد فوق‌العاده سریع سرمایه‌داری مالی را فراهم ساخت. ولی هم چنین او ماحصل رشد غول‌آسا، فزاینده و پیروزمندانه الیگارشی‌های مالی جهانی در فضای جدید امپراتوری‌ای هستند که سیاست‌های سوداگری‌های مالی خود را از طریق نمایندگان بخشی از بورژوازی بزرگ نوکیسه و تازه به عرصه آمده کشور در چارچوبه‌های داخلی اعمال می‌کنند.

رشد حیرت‌انگیز و سرگیجه‌آور بانک‌ها، نهادها و موسسات مالی در یک دهه‌ی گذشته در کشور ما، که بخش اعظمی از معاملات بورس و فرابورس و بازار سهام خارج از بورس در ایران را فرا گرفته است و به همه‌ی شئون حیات اقتصادی کشور، اکنون سلطه‌ی غیرقابل انکاری یافته و هر گونه فعالیت سرمایه دارانه در بخش‌های دیگر سرمایه‌داری را بی‌رمق ساخته و فاقد بهره‌وری قابل‌اعتنا نموده است. عموما نتیجه سروری و سیادت سرمایه‌های مالی جهانی که در سطح سیاره عمل می‌کنند، هستند و می‌باشند. این بخش از سرمایه نه تنها بر پایه وضعیت‌های داخلی که بر اثر ضرورت قدرت و اعمال اراده و در پیوند با الیگارشی‌های مالی و جهانی رشد و قوام یافته است و اکنون که حاکمیت سیاسی ایران در تناقضات و پیچیدگی‌های سیاست جهانی و منطقه‌ای، از مسایل انرژی ، نفت و گاز و هسته‌ای تا سیاست خاور میانه‌ای خود به بن بستهای آشکاری گرفتار آمده است و دولتی که ساده‌لوحانه می‌پندارد اکنون باید با تکیه بر همان نهادهای جهانی و حل مناقشه خود با آنان به راهگشایی کشمکش‌ها و تضادها و تناقضات داخلی خود پاسخ داد ودر همان لحظه برای حل آن مناقشات با فراملیتی‌ها و دولت‌های قدرتمند پشتیبان آنان، به دنبال مذاکره و ارتقای توانایی بنیان‌های اقتصادی داخلی خود و افزایش سطح قدرت چانه زنی با آنان است و می‌اندیشد حال باید با تکیه بر توانایی‌های تولید داخلی بر این بحران‌های سیاست خارجی فائق آمد و بنابراین شعارها وبرنامه‌هایی هم چون اقتصاد مقاومتی و چیزهایی شبیه آن را مطرح ساخته است. این راه‌ها بی شک جز گشودن راه‌های تازه‌ای برای غارت بیشتر و رانت‌خواری فزونتر همین الیگارشی‌ها نخواهند بود.

پیروزی و هژمونی بورژوازی مالی در درون کشور ما با توجه به تقسیم کار بازار جهانی که اکنون دیگر کاملا به هرج و مرج بی‌سابقه‌ای در جهان انجامیده است، خود بستر و هم چنین

ماحصل پیروزی همین الیگارشی‌های فوق العاده قدرتمند مالی در هیات فراملیتی‌های نیرومندی است که در حال بلعیدن همه‌ی سودهای استخراج شده توسط دیگر بخش‌های سرمایه در سراسر سیاره است. الیگارشی‌های مالی، یعنی شاه دزدانی که از دزدانی دیگر می‌دزدند که آنان قبلا از دیگران دزدیده‌اند یا درحال دزدیدن‌اند.

و این یعنی جهان را شتابناک به سوی بحران‌هایی راندن است که نتایج غم بار آن، کانون در غبارهایی از یاس و تروریسم پنهان گردیده است.

و اما در کشور ما، وضعیتی که به خاطر این اعتلای بخش‌های مالی، رانت خواران، سفته بازان و زد وبست‌چی‌های دولتی، همه‌ی راه‌های دیگر اقتصاد سرمایه‌داری را به محاق بی‌رغبتی و ناتوانی برای تولید و سرمایه گذاری کشانده است و به نتایج دهشت آور، رکود، تورم مجدد، بسته شدن الباقی کارخانه‌ها، تعطیلی بخش عمده ای از تولید کشاورزی، یعنی اخراج‌های دسته جمعی، مهاجریت، فقر، فحشا، جنایت، نابه هنجاری‌های گسترده اجتماعی و دهه‌ها فجایع هولناک دیگر که به گسترده ای وسیع در کل جامعه انجامیده است. و در نهایت دولتی ناتوان از تمشیت امور که به دلیل توقف روندهای تولید و تجارت سرمایه دارانه ، تحریم‌های جهانی و بلوکه شدن تجارت نفت در قیمت‌ها و ترحیم‌ها، با کسری‌های عظیمی از ترازهای بودجه‌ای خود روبرو است که دوباره او را مجبور می‌سازد با دستانی دراز شده به طلب، برای قرضه‌ها و وام‌های تازه به سوی همین الیگارشی‌های مالی که به کمین همین لحظات نشسته اند بازگردد و رستکاری را در سیاست‌هایی بجوید که او را قبلا به این افلاس و بی‌چاره‌گی کشانده است. واین برای مردم ما یعنی غارت الباقی مانده منابع و ثروت‌های عمومی توسط همین الیگارشی‌ها، کسر بودجه دولتی ، یعنی کامکاری دسته ای مالی که می‌کوشند با سیاست‌های پولی خود این موقعیت‌ها را تشدید نمایند.

به بیان دیگر استعلای سوداگرانه الیگارشی‌های مالی نه واکنشی به موفقیت‌های سرمایه که عکس‌العملی به بحران‌ها و ناکامی‌هایی آن است که به شکل غارتگری‌های آشکار در روزگار بحران‌های بزرگ هویدا می‌گردند و ر شد می‌کنند و جنبش‌های انقلابی را یا به سمت حفظ حداقل خواسته‌های خود عقب می‌رانند و یا موجب اعتلای مبارزه‌ای جهت فراآوری مواضع تازه ای به نبرد مگر و زندگی فرا می‌خوانند و گویی همگان را برای روز داروی نهایی گرد می‌آورند.

اکنون سرمایه مالی‌ای که درعیاشی‌های سرمستانه ناشی از کسب بالاترین نرخ‌های سود به پایکوبی و عشرت مشغول است و در گمراهی تاریخی خویش گویی نمی‌داند که درهمان لحظه در حال مصرف انرژی از مغز استخوان خود است، از کبدی است که او را زنده نگاه داشته است، در عرصه‌های جهانی، دهه‌های متمادی استخراج ارزش اضافی از نیروی کار میلیاردها انسان به علاوه غارت وسیع منابع طبیعی این سیاره، انباشت اضافه تولیدای را فراهم آورده است که در حیات تاریخ سرمایه‌داری بی‌مانند است.

و همچنین ده‌ها سال زد و بست‌های مالی، از راه تنزیل ، دزدی و سفته بازی و امور بانکی آن اضافه انباشت سرمایه ای را پدید آورده که برای صاحبان آن، افسانه‌های ترین سلاطین اساطیری تاریخ در نزدشان ژنده پوشانی بیش نیستند و همه‌ی این عملیات در سال‌های اخیر به یاری تکنولوژی‌هایی انجام می‌پذیرد که همچنین موجب جابه‌جایی نیروهای عمده‌ی تولید سیستم سرمایه داری از تولید صنعتی به تولید خدمات و اطلاعات گشته است.

همه‌ی این اقدامات ، یعنی انباشت اضافه سود به علاوه انباشت اضافه تولید که حیات تولید سرمایه‌داری را وابسته به بازار می‌کند و بازار را وابسته به سوداگران مالی که افزایش نرخ‌های بهره تنها قسمت کوچکی از این کوه یخی بحران اند.

این شرایط اکنون چنان وضعتی را ایجاد نموده که امپراطوری را دیوانه وار به سوی جنگ و خشونت همیشگی و مدام به عنوان

راهی برای مصرف آن اضافه انباشت‌ها وادار نموده است. این وضعیت‌ها و آشفتگی‌ها تمام جهان را به سوی طغیان‌های اجتماعی اجتناب‌ناپذیری سوق می‌دهد و جنبش‌های وسیع ضد سرمایه‌داری را به عرصه آورده است.

اما این جنبش‌های ضد سرمایه‌داری اکنون تنها توانایی‌های خود را فعلا در شعار تحریم فراملیتی‌ها از طرف مصرف‌کنندگان یا هجوم میدانی به پروژه‌های ضد محیط زیست، تظاهرات در خیابان ، اشغال مراکز عمده‌ی مالی و تصمیم یگری وهم چنین حمایت‌های اخلاقی و عاطفی از نبردگران عرصه نبردهای طبقاتی کارگران و اعتصابیون بروز داده و محدود مانده است.

و اما در داخل مرزهای ملی ما، یعنی آن جایی که دشواری‌های زندگی در زیر سیطره حکومت سرمایه داری که دولت خود را به طرز فلح کننده ای گرفتار این تناقضات بی مانند سرمایه‌داری جهانی ، به علاوه مالیخولیای قدرت بهیمی و خشونت بار سوداگران مالی و مونارشیک نظامی داخلی، همانند بدن فلج دشه ای که حتا قدر به تغدیه خود هم نیز نیست نموده است. و اکنون خود را در برابر جنبش‌های مطالباتی گسترده‌ای باز می‌یابد که جنبش‌های صنفی کارگری تنها یکی از آنهاست و البته یکی از پرقدرت ترین آنها. ماه‌های آینده بی شک ماه هایی دشوار و سخت تعیین‌کننده و آزمونی تاثیرگذار بر مولفه‌های قدرت در هر دو سوی این منازعه خواهند بود. مطالبات کارگری افزایش می‌یابد. درخواست‌های افزایش دستمزد برای آنانی که کار دارند، با مشت‌های از خشم فشرده‌ی ارتش‌های بیکاران و فقرای شهری که هیچ ندارند در هم می‌آمیزد. ده‌ها خواسته به تعویق افتاده، هم چون دمل‌های چرکینی سرباز می‌کنند و به شکل پتانسیل‌های فوق‌العاده قدرتمند ولی بی شکلی به عرصه می‌آیند. شاریط به سرعت به سوی بحرانی تمام عیار که عوامل خارجی فراوانی آنان را تشدید می‌کند به پیش رانده می‌شود. فقدان تشکیلات مستقل و واقعی کارگری بحران را به سوی آشوب های خطرناک سوق می‌دهد. تشکیلات زرد کارگری که سیاست‌های دولتی و حاکمیت را در تحلیل نهایی به کار می‌گیرند. توانایی‌های لازم جهت مهار بحران آغاز شده را از دست می‌دهند و نیروهای فعال درون آن به سرعت دو دسته، یک در همراهی با جنبش کارگری و دو در میان این جنبش‌ها تقسیم می‌شوند. اوضاع اگر کنترل نشود به سوی خشونت‌های هولناکی کشیده خواهد شد.

استعدادهای ملی ما، برای دمیدن بر آتش این نافرمانی‌ها بسیار فراوان اند. جنبش‌های دموکراتیک و صنفی پاسخ نیافته‌ای، هم چون جنبش‌های زنان، معلمان، دانشجویان، پرستاران و غیره، نیز پس زمینه‌های فوق العاده قدرتمندی برای طغیان بیش از پیش این نایره‌های هولناک فراهم می آورند.

در سویه مقابل، ارتجاع سرمایه با بهره‌گیری از تمام امکانات قانونی و غیرقانونی به مقابله برای حفظ موقعیت‌های فوق‌العاده لرزان و آسیب پذیر خود بسیج می‌گردد.

ما اکنون در کجای این معرکه ایستاده‌ایم؟

عاجل‌ترین وظایف ما کدامند؟

شوراها مدتهاست که جذابیت و اعتماد و توان سازمان دهی خود را از دست داده اند.

سندیکاها و اتحادیه‌ها محلی از اعراب ندارند. خشونت سه دهه‌ی گذشته هر گونه تشکیلات کارگری را نابود ساخته است. (البته قبل از آن هم در واقعیت چیز زیادی موجود نبوده است) از چند مورد استثنایی که بگذریم هیچ سازمان تشکیل کننده‌ی صنفی یا سیاسی ای موجود نیست. در مقابل بی رحمی عریان سرمایه ، حتا همان تشکیلات نیم‌بند زرد هم تحمل نشده‌اند. پراکنده‌سازی نیروی کار تحت سیاسیت خصوصی‌سازی، به علاوه ارتش قدرتمند و وسیع کارگران تحت سیاست‌های انبوه کالاهای وارداتی و هم چنین نابودی همه سازمان‌های صنفی و سیاسی ذیل سیاست‌های ضددموکراتیک و تمرکزگرایانه، سه عامل عمده‌ی تاریخی عدم همبستگی سازمانی طبقه‌ی کارگر ایران است که رویاهای سرمایه را در کسب نرخ سود بالا تحقق بخشیده است. مضافا بر این که اکنون پیروزی الیگارشی‌های مالی و جذب

بخش‌هایی از بورژازی صنعتی و تجاری به حوزه‌های مالی، به معنای عدم وجود انباشت سرمایه در عرصه‌ای تولیدی و صنعتی ناتوانی تاریخی طبقه‌ی کارگری صنعتی ایران را تشدید کرده است.

آیا برنامه‌های جهانی کار در مقابل سرمایه اینک کاملا جهانی شده باید حوزه‌های سیاست کار در چارچوبه داخلی کشور ما را در برگیرد؟ آیا این التزامی ضروری است؟ یا تنها نیازی نظری است که نگاه به آینده دارد؟

در زمانی که سرمایه تبدیل به یک اقتصاد واحد جهانی تفکیک‌ناپذیر و کاملا به هم پیوسته در سراسر سیاره گردیده است، آیا ما می‌توانیم کماکان از یک سیاست ملی و مستقل کارگری در چارچوبه داخلی سخن به میان آوریم؟ آیا می‌توان اکنون در آوردگاه تاریخی در مقابل سرمایه جهانی شده که کاملا جهانی عمل می‌کند و سیاست‌هایش را در سطح جهانی جاری می‌سازد از سیاست ملی کارگری سخت گفت؟ ستیزه‌های کارگران در سراسر جهان ، بالاخص در اروپا و امریکای شمالی اکنون عمدتا بی واسطه و بدون نهادهای نمایندگی انجام می‌پذیرند. سازمان‌دهی برای بیشتر موضوعات مطالباتی و اعتراض مشخص، در زمان مشخص و از طریق شبکه‌های مشخص اجتماعی صورت می‌پذیرند و در همه‌ی این کشمکش‌ها معمولا بخش‌های وسعی از همه‌ی مردمان حضور دارند. مروز خواسته‌ها عموما خواسته‌هایی همگانی‌اند که کل نیازهای جامعه را در برمی گیرند. گویی جهان تنها به دو اردوگاه کار وسرمایه ، محکومان و حاکمان تقسیم شده است و شعار سوسیالیسم یا بربریت به خواسته‌ی همه بشریت تبدیل گردیده است.

آیا این چنین است؟

و در کشور ما ، آیا ما به سوی یک اعتلا دوباره جنبش دموکراتیک یا انقلابی که این بار خواسته‌های طبقاتی کارگران ایران را با حجم و گسترده‌ی وسیع تری نسبت به قبل را در مرکز خود دارد، به پیش می‌رویم؟ آیا اینان از هم تفکیک ناپذیرند؟ یا در راستای هم قرار دارند؟

چگونگی پاسخ به این پرسش‌ها، کیفیت رفتار و تاکتیک‌های سیاسی و صنفی ما را تعیین خواهند کرد. بلی بی‌شک و پیش از هر پاسخ به این سوالات باید تعریفی آشکار و مشخص از "ما" ارائه نمود.

در گذر تاریخ

خواسته های کارگران در قطعنامه اول ماه مه

سال ۱۳۱۰

در این روز کارگران نساجی وطن در چهارباغ اصفهان گرد آمدند و روز کارگر را جشن گرفتند. در این روز همچنین پیرامون اعتصاب خود به بحث پرداختند. و تصمیم گرفتند که اعتصاب خود را روز ٤ مه آغاز کنند. خواست های کارگران به شرح زیر بود:
آزادی تشکل سندیکایی – تغییر دستمزد از کارمزدی به ماهیانه – هشت ساعت کار روزانه و حداقل ل دستمزد ٥ ریال – نیم روز استراحت علاوه بر جمعه ها– لغو سیستم کنترل در ورود کارخانه – لغو سیستم جریمه و تنبیه بدنی – جبران مخارج بیماری و پرداخت صدمه بدنی در سرکار– پرداخت کلیه مخارج بیماری – تعطیل کارخانه در روزهای تعطیل رسمی کشور– پرداخت دو برابر مزد برای اضافه کار – حداکثر روزکار(با اضافه کار) ۱۰ ساعت – تامین وسایل و امکانات بهداشتی در کارخانه (مثل آب یخ در تابستان) پرداخت منظم و بدون وقفه دستمزد–
این اعتصاب با دستگیری ۲۵ نفر و زندانی شدن و تبعید شدن برخی از کارگران روبرو شد. اما پس از چند روز کارگران به برخی از این خواسته ها دست یافتند.

« اول ماه مه و مطالبات محوری کارگران »

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران، برای بیان اهداف، خواست‌ها و مطالبات کارگران در سرتاسر دنیا، جهت بهبود شرایط کار و زندگی از یک سو و رهایی از مشقات بی شمار و روزافزون نظام سرمایه‌داری است.

در یک چنین روزی میلیون‌ها کارگر، در سرتاسر جهان و در جای جای این کره خاکی، دست از کار می‌کشند؛ ابزارهای کار را رها می‌کنند؛ از پشت ماشین‌ها و میزهای کار خود بیرون می‌آیند؛ مزارع، معادن و بیغوله‌های شان را ترک می‌گویند و با شانه‌هایی تکیده اما استوار، در خیابان‌ها رژه می‌روند تا پرچم جنبش مطالباتی خود را در برابر بهره کشی فزاینده‌ی سرمایه داران به مثابه یک طبقه، به اهتزاز در آورند و اعتراض خود را به فقر و گرسنگی، نابرابری و تبعیض، ریاضت کشی اقتصادی و سرکوب سیاسی، جنگ و خشونت‌های قومی ــ مذهبی و تمامی مصائب و نابسامانی‌های نظام سرمایه‌داری اعلام دارند. کارگران در این روز صدای آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی خویش را علیه سلطه‌ی سرمایه و پی‌آمدهای ویرانگر و ضدکارگری آن رسا و رساتر می‌کنند و دنیایی عاری از نابرابری، ستم و استثمار طبقاتی را فریاد می‌زنند.

اعتراضات روز جهانی کارگر و تظاهرات سراسری کارگران در کشورهای مختلف، در واقع نشان از آن دارد که کارگران، به عنوان انبوهی از تولیدکنندگان رفاه و ثروت در جامعه، اگر به صورت یک طبقه متحد و متشکل شوند و در تشکل‌های مستقل و طبقاتی خویش گرد آیند و به ویژه خود را به دانش و آگاهی طبقاتی مجهز نمایند، اساساً این قابلیت و توانایی را دارند که نظام سرمایه‌داری را به عنوان علت‌العلل همه‌ی نابسامانی‌ها و تیره روزی‌های طبقه‌ی کارگر و خیل عظیمی از انسان‌های محروم و تحت ستم جامعه، از صفحه روزگار بزدایند و جهانی آزاد و برابر را جایگزین آن نمایند.

کارگران در سرتاسر جهان، امسال نیز در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که نظام سرمایه‌داری هم چنان در چهار گوشه جهان شرایط زندگی را برای این طبقه و بخش‌های وسیعی از بشریت امروز سخت و سخت‌تر کرده است. تعمیق بیش از پیش تضادهای طبقاتی و افزایش روزافزون درآمد و ثروت اقلیتی از سرمایه‌داران و صاحبان قدرت در مقابل تشدید فقر، سیه روزی و فلاکت اکثریت عظیمی از مردم کارگر دنیا خود نمایشی از چهره عریان و آشکار بربریت و توحشی است که نظام گندیده و ضدکارگری سرمایه‌داری، برای اکثریت قریب به اتفاق بشریت امروز، به ویژه در دهه‌ها و سال‌های اخیر به ارمغان آورده است. در یک چنین مناسبات و البته در سایه‌ی یک چنین سیاست‌هایی است که به ویژه در اوضاع و احوال کنونی جهان، از یک سو روزانه و ساعت به ساعت، بر دارایی‌ها و ثروت بی‌حساب و نجومی سرمایه‌داران افزوده می‌شود و از دیگر سو، کارگران (همه‌ی آنان که کار می‌کنند و با کار و تولید خود به کره‌ی خاکی و هر آنچه در اوست جان و هستی می‌بخشند) هر روز فقیرتر و بی‌چیزتر شده و به خانه خرابی و فقر مطلق کشانده می‌شوند. تا آن‌جا که بر طبق آخرین آمارها، در شرایطی که بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان در زیر خط فقر امرار معاش می‌کنند، دارایی تنها تعداد انگشت شماری از ثروتمندان جهان، معادل دارایی نیمی از فقرای کره زمین است.

بدون تردید وجود چنین فاصله‌های عظیم طبقاتی، خود، نتیجه استمرار مناسبات نابرابر و پوسیده سرمایه‌داری و سیاست‌های استثمارگرانه و ظالمانه‌ی حاکم بر دنیا است که امروزه، به ویژه از طریق توصیه‌های نئولیبرالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، به دولت‌ها دیکته شده و از این طریق به خورد کارگران و مردم تحت ستم و استثمار جهان داده می‌شوند. توصیه‌هایی که از دولت‌ها می‌خواهد تا بار سنگین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از تناقضات ذاتی و درونی این نظام و پیامدهای ویرانگر و

ضدکارگری آن را با حذف سوبسیدها و کاهش هزینه‌های عمومی، بر گرده کارگران و توده‌های ستمدیده و زحمتکش این گونه جوامع (جوامع سرمایه‌داری) بگذارند و بر روی دوش‌های نحیف و خسته آنان آوار نمایند. در پی اِعمال یک چنین سیاست‌هایی است که جنگ‌های قومی ـ مذهبی و تخاصمات منطقه‌ای و انواع فجایع انسانی ناشی از آن‌ها، همچون خرید و فروش مواد مخدر و گسترش اعتیاد و فحشاء، قاچاق انسان، کشتار کارگران در محیط‌های کار و نابودی محیط زیست و انواع مصائب و ناسامانی‌های اجتماعی و در یک کلام برده‌داری مدرن، امروزه به جزء جدائی‌ناپذیر جهان پیرامونی و زندگی آحاد بشری تبدیل شده است!

***

سرمایه‌داری در ایران، در هماهنگی با سرمایه‌ی جهانی و نهادهای مالی آن ، از جمله "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی"، در راستای تامین شرایط مطلوب برای سودآوری و انباشت سرمایه، کارگران را به شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن استثمار می‌کند و فقر و خانه خرابی فزاینده و مفرطی را به آنان تحمیل می‌نماید که دستمزدهای تا چهار برابر زیر خط فقر تنها یکی از نمونه‌های آن به شمار می‌رود. کارگران ایران امسال نیز در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که با یکی از ارزان‌ترین دستمزدهای موجود در جهان، امرار معاش می‌کنند. معنای تعیین حداقل دستمزد کارگران به میزان **۷۱۲ هزار تومان**، درعالم واقعیت این است که تک تک آحاد کارگران باید به اشکال مختلف برای جبران مافات و کمبودهای عدیده‌ی زندگی تن به اضافه کاری و کارهای دیگر بدهند تا شاید بتوانند در مقابله با غول گرانی و تورم ایستادگی کنند و به زندگی خود و خانواده‌هایشان دوام و بقا بخشند. آشکار است که این مقدار دستمزد به هیچ وجه تناسبی با مخارج و حداقل‌های زندگی کارگران نداشته و تنها موجبات تشدید فقر و خانه‌خرابی کارگران و نابودی و مرگ تدریجی آنان و خانواده‌هایشان را فراهم می‌آورد. مضاف بر این که به تعویق افتادن دستمزدها؛ اخراج و بیکارسازی کارگران؛ رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء و کار تحت ضابطه شرکت‌های واسطه‌ای و پیمانکاری؛ سقوط ارزش پول کشور و تورم لجام گسیخته ناشی از آن و در این ارتباط گرانی سرسام‌آور کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان؛ وضعیت معیشتی وخیم و فلاکت بار بازنشستگان و در این رابطه، ناکارآمدی بیمه‌های اجتماعی؛ ناامنی محیط‌های کار که مرگ فجیع و ناگوار بسیاری از کارگران را در این محیط‌ها رقم می‌زند و . . . خود مزید بر علت بوده و کارگران و اکثریت آحاد تحت ستم و استثمار جامعه را به ویژه به لحاظ شرایط کار و زیست در وضعیت بسیار سخت و طاقت‌فرسایی قرار داده است. به این سیاهه البته می‌توان سرکوب آزادی‌های دمکراتیک و سیاسی و تهاجم گسترده به جنبش‌های مختلف اجتماعی از جمله جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویی و در همین رابطه دستگیری و زندانی کردن فعالان هر یک از این جنبش‌ها؛ ستم و استثمار مضاعف نسبت به زنان و کارگران مهاجر؛ بی‌کاری و بی‌حقوقی جوانان، کودکان و اجرای احکام ضدانسانی سنگسار و اعدام و ... را نیز اضافه کرد که همه و همه نشان از ماهیت ضدکارگری و ضد انسانی نظام سرمایه‌داری دارد.

کارگران در ایران حتی از برگزاری مستقل مراسم و راهپیمائی‌های روز جهانی کارگر و طرح خواست‌ها و مطالبات خود در این روز محروم هستند و تنها اجازه دارند که در مراسم‌های فرمایشیِ دولتی و کارفرمایی شرکت کنند. آن‌ها حق ندارند که اهداف و باورهای خود را آزادانه بیان کنند و پیگیر خواست‌ها و مطالبات معیشتی و طبقاتی خود باشند. در سال‌های اخیر بسیاری از کارگران و فعالین کارگری را تنها به خاطر دفاع از حقوق بدیهی و مسلم خویش، از جمله شرکت آزادانه در مراسم‌های مستقل این روز و دفاع از خواست‌ها و مطالبات کارگران دستگیر و روانه‌ی زندان‌ها کرده‌اند و به مجازات قرون وسطایی شلاق و تبعید و حبس‌هایی طولانی مدت محکوم نموده‌اند. کارگران همچنین از حق اعتصاب و حق ایجاد

تشکل‌های مستقل خویش محرومند و از اعلام نظر در باره سیاست‌های اقتصادی دولت منع می‌شوند، تا سرمایه‌داران بتوانند با آسودگی خیال روند انباشت سرمایه را در قبال تشدید استثمار کارگران و فلاکت روزافزون اکثریت قریب به اتفاق مزدبگیران دنبال کنند. بی‌جهت نیست که صاحبان سرمایه و حامیان آن به خود اجازه می‌دهند تا هرگونه صدای حق‌طلبی و آزادی‌خواهی را آماج تهاجم و سرکوب طبقاتی خویش قرار داده و هراعتراضی به اوضاع نابسامان زندگی کارگران را تنها با زبان زور و تهدید پاسخ گویند. تا آن جا که در شرایط کنونی احضار و تهدید و دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری که برای بهبود شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و رهایی از وضعیت فلاکت بار موجود تلاش و مبارزه می‌کنند، خود به رویه‌ای مرسوم و روزمره در جامعه تبدیل شده و روزی نیست که کارگران و فعالین کارگری و همین طور فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی از فشار و تهدید و تعقیب و بگیر و ببند سرمایه و ایادی آن در امان باشند.

***

ناگفته پیداست که کارگران دیگر نمی‌توانند در مقابل این وضعیت فلاکت بار و ضدانسانی و گسترش لحظه به لحظه عمق و دامنه‌ی آن سکوت اختیار کرده و تنها شاهد و ناظر خاموش وقایع و اتفاقات پیرامونی باشند. چرا که تداوم وضعیت موجود، به منزله سوق دادن زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر و خانواده‌هایشان از خط فقر به خط مرگ است. کارگر به حکم شرایط زندگی و جایگاه فرودست خود در نظام سرمایه‌داری اعتراض می‌کند و حقوق خود را طلب می‌نماید. اگر چه فشار و سرکوب سیاسی و پلیسیِ سرمایه به عنوان یک عامل بازدارنده درمقابل او قرار داشته باشد و با ارعاب و تهدید و دستگیری و زندان، حرکتش را برای طرح خواست‌ها و مطالبات برحقش کند نماید. چرا که کارگری را که بر اثر حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه و سودجویی بی‌حد و حصر مشتی سرمایه دار به روز سیاه نشسته است، نمی‌توان صرفا با حربه‌ی تهدید و ارعاب و سرکوب و زندان، وادار به سکوت و تسلیم نمود و بر سر جای خود نشاند. کارگران قطعاً در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و تعرضات ساکت نخواهند نشت، همان گونه که تا کنون ساکت ننشسته‌اند. بی‌جهت نیست که علی‌رغم همه‌ی فشارها و تضییقاتی که از جانب سرمایه و حامیان آن به کارگران به مثابه یک طبقه وارد می‌شود، ما امروز کم و بیش، شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری، برای رسیدن به خواست‌ها و مطالبات این طبقه، در همه‌ی زمینه‌ها و عرصه‌ها از جمله **مسئله‌ی دستمزد** هستیم. تحرکات و خیزش‌های سال‌های اخیر کارگران در مواجهه با تشدید سرکوب و بهره‌کشی سرمایه و اعتراضات اخیر بخش‌های مختلف طبقه کارگر، از جمله کارگران صنایع پتروشیمی، معادن، خودروسازی‌ها، معلمان، پرستاران و . . . در قبال تعیین حداقل دستمزد را تنها می‌توان در این راستا بررسی و ارزیابی نمود. این اعتراضات به نوبه خود نشان از آن دارند که کارگران دیگر تحمل این بی‌حقوقی‌ها و بی‌حرمتی را در زندگی و معیشت خویش ندارند و اجازه نخواهند داد که بیش از این آن‌ها را به بازی بگیرند و حق حیات و هستی‌شان را به تباهی و نابودی بکشانند.

ما کارگران دیگر تعرض به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و در مقابل فقر و بی‌حقوقی تحمیل شده بر خود و خانواده‌هایمان ایستادگی خواهیم کرد. ما تولیدکنندگان اصلی ثروت و رفاه در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی، مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز را حق مسلم و خدشه‌ناپذیر خود می‌دانیم و برای تحقق آن تلاش و مبارزه خواهیم کرد.

در چنین اوضاع و احوالی، اگر کارگران خودشان آستین‌ها را بالا نزنند و خواست‌ها و مطالبات خویش و به طور مشخص افزایش دستمزدی مطابق با استانداردهای زندگی امروزی را با اتکا به قدرتِ اتحاد و همبستگی طبقاتی خویش و برپایی تشکل‌های مستقل و متکی به خود کارگران، به سرمایه تحمیل ننمایند بدون تردید ره به سرمنزل مقصود نبرده و دستشان همچنان از رسیدن به حقوق حقه خویش کوتاه خواهد ماند. کارگران نباید اجازه دهند که مشتی صاحب سرمایه که از ماحصل کار و رنج و تلاش

کارگران ارتزاق می‌کنند، هر جور که می‌خواهند برای آنان تصمیم بگیرند و به هر نحو که میل شان می‌کشد برای کارگران دستمزد تعیین کنند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن هر گونه تهاجم به مراسم‌های اول ماه مه و تهدید و ارعاب و دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری و همچنین پافشاری بر لزوم تشکل‌یابی و کسب آگاهی‌های سیاسی و طبقاتی کارگران تأکید دارد که در شرایط موجود و با توجه به تعرض سرمایه به عرصه‌های مختلف کار و زندگی طبقه کارگر، **از جمله تحمیل دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر به این طبقه، کارگران ایران راهی جز متحد و متشکل شدن برای پیگیری خواست‌ها و مطالبات خویش و تحکیم و تقویت اعتراضات ومبارزات خود نداشته و ندارد.** لذا شایسته است که با ایجاد تشکل‌های مستقل و طبقاتی خویش که با اتکاء به اراده و توان خود کارگران و بدون اجازه از دولت و کارفرمایان به وجود آمده باشند و همچنین **ایجاد ارتباط و هماهنگی میان آن تشکل‌ها،** خواسته‌ها و مطالبات خود، از جمله مسئله **حداقل دستمزد و آزادی کارگران زندانی** را پیگیری نموده و آن‌ها را یکی بعد از دیگری به صاحبان سرمایه و عوامل آن‌ها تحمیل نمایند. ۹۴/۰۲/۰۵

در گذر تاریخ

خواسته های کارگران در قطعنامه

اول ماه مه سال ۱۳۲٤

از طرف شورای متحده مرکزی در تهران جشنی برپا شد در قطعنامه‌ای که در این جشن خوانده شد خواسته‌های زیر مطرح شده بود:
آزادی و دموکراسی – رنجبران ایران متحد شوید – ما کار می خواهیم – بیکاری صدها نفر را تهدید می کند.– قانون بیمه کارگران باید هر چه زودتر تصویب شود– ازادی نطق و اجتماعات باید طبق قانون اساسی تامین گردد.

اول ماه مه سال ۱۳۲۵

در این سال متینگی در تهران برگزار و خواست‌های زیر مطرح شد:
"...اجرای فوری قانون کار و بیمه های اجتماعی – تهیه کار برای هزارن کارگر بیکار– بهبود وضع فرهنگی وبهداشتی کارگران و تعلیمات اجباری – تساوی دستمزد زنان و مردان – اجرای کامل مقررات منشور ملل متفق راجع به آزادی های اجتماعی و تساوی زنان – مجازات ژاندارم هایی که کارگران را به ضرب گلوله کشتند. و پایان دادن به خودسری‌های ژنرال امریکایی شوارتسکف – تصویب قانون برای روابط عادلانه بین مالک و دهقان و جلوگیری از اجحافات مالکین و مامورین ژاندارمری و اصلاح اوضاع بهداشتی و فرهنگی دهقانان – توسعه قانون اختیارات انجمن های ایالتی و ولایتی به نحوی که نظریات مردم ناحیه در مورد خودشان واقعا تاثیر داشته باشد– حل مساله آذربایجان– مبارزه با اصول فاشیستی وارتجاعی که به اسامی و ماسک های مختلف ظهور می‌کند و سه خواست دیگر در زمینه‌ی صلح و کمک به اسپانیای مبارز و ملل آزادیخواه"

بیانیه کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری به مناسبت اول ماه می

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مصادف با ۱۱ اردیبهشت، را گرامی می‌داریم. روز کارگر، روز همبستگی و روز فریاد اعتراض جهانی به این " دنیای وارونه "است. روز کارگر، روز زحمتکشان جهان که هستی بخش جامعه جهانی و بشارت دهنده " یک دنیای بهتر" برای همه انسان‌هاست، خجسته باد.

ما کارگران و دیگر اقشار مزدبگیر و زحمتکش در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که این شرایط غیرانسانی و مالامال از بی‌حقوقی مطلق، زندگی در فقر و فلاکت ونکبتی را به ما تحمیل کرده است.

در شرایطی که بی‌کاری و گرانی همواره افزایش می‌یابد و بلاخص نان که با آزادسازی قیمتش ۲۵ الی ۵۰ در صد گران می‌شود، افزایش قیمت‌ها و هم‌چنین گرانی بهای آب، برق، گاز، تلفن، ومالیاتها وعوارض‌هایی که با دستمزد ناچیزمان باید پرداخت شود.
با اعلام خط فقر توسط کارشناسان مختلف سازمانهای دولتی، در سال ۹۳ با در آمد کمتر از ۲۴۰۰۰۰۰ تومان زیر خط فقر محسوب گردیده است آنگاه حداقل دستمزد ما کارگران را با محاسبه ۱۷ درصد افزایش با مزایای دیگرش ۸۵۰هزار تومان تعیین نمودند.

آنچه که فاصله حداقل دستمزد ۸۵۰۰۰۰ هزار تومانی تا هزینه زندگی با خط فقر ۲۴۰۰۰۰۰هزار تومان ما کارگران را قرار است پر کند، چیزی نیست جز گسترش "چهره کریه فقر " افزایش فقروفلاکت، جرم و جنایت، نا برابری اجتماعی گسترده، عدم امنیت شغلی، قراردادهای موقت و تاخیر در پرداخت دستمزدها و بی‌کاری گسترده و بی‌حقوقی زنان وکودکانمان در چرخه تولید، و توزیع مواد مخدر و تن فروشی، حاصل این نظام سرمایه‌داری است.

غارت و چپاول هزاران میلیارد تومان ثروتی که سوی دیگر حاصل زحمات ما کارگران زحمتکش است، به جای اینکه هزینه تامین رفاه اجتماعی، مسکن، ایجاد شغل، بیمه بیکاری، بهداشت و سلامت و آموزش و پرورش شود به عملکرد رایج این نظام بدل شده است.

ما کارگران و دیگر مزدبگیران اعلام می‌کنیم که:اختلاس و چپاول غارت هزاران میلیارد تومانی که فاش گردیده است، تنها بخشی از ثروت تولید شده توسط ما کارگران است، باید به زندگی ما بازگردانده شود.

ما کارگران و دیگر اقشار زحمتکش، پرستاران، معلمان و بازنشستگان در این روز جهانی کارگر، به تمامی آنچه که زندگی ما، جامعه ما را فرا گرفته است، به این جهان وارونه می‌گوئیم " نـــــه ".

به این زندگی، به این سرکوب، اختناق و وحشت و زندان، فریب و نیرنگ و قوانین بربریت را که بر زندگی ما تحمیل می‌کنند می‌گوئیم " نـــه "

سرکوب و وحشت که شاهرگ حیاتی این نظام سرمایه‌داری جهنمی را تأمین و تضمین کرده و به آن تداوم می بخشد. اما هرگز قادر نخواهد بود بر صفوف جان به لب رسیده ما کارگران معترض غلبه کند.

ما کارگران به کارفرمایان و دولت مدافع آنها اعلام می‌کنیم: هرگز این نابرابری گسترده اجتماعی، سرکوب و زندگی فاقد منزلت و شایستگی انسانی را بیش از این تحمل نخواهیم کرد.
ما کارگران و تشکل‌های کارگری، از کارگران، همکاران، معلمان، پرستاران و دیگر اقشار مزدبگیرجامعه می‌خواهیم که تمامی تلاش خود را به کار ببریم تا به خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی دست یابیم. از این رو ما توصیه می‌کنیم که جهت سازماندهی اعتراضات خود و کسب پیروزی، شیوه های رایج و مرسوم اعتراضات کارگران کشورهای دیگر را به کار ببریم. زمانی به مطالبات خود

می‌رسیم که از حمایت‌های همدیگر برخوردار باشیم. در غیر این صورت به تنهایی به هیچ مطالبه و خواسته خود نخواهیم رسید. به قول معروف " کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من "

۱- تحقق مطالبات خودرا با مشارکت خانواده‌هایمان پیگیری نماییم.

۲- زمان و مکان اعتصاب و تحصن و تجمع خود را برای دست یافتن به ریز مطالبات، به اطلاع دیگر کارگران، کارخانه‌های مجاور و همسایگان محل زندگی، خویشاوندان، آشنایان و فامیل و کسبه برسانیم.

۳- ریز مطالبات و خواسته‌های خود را مکتوب به وزات کار و تعاون اعلام و تحویل نموده و خواستار رسیدگی و اقدام آن سازمان باشیم.

۴- زمان و مکان اعتراضات و مطالبات خود را به اطلاع کلیه خبرگزاری‌ها برسانیم.

۵- هنگام اعتراضات خیابانی، ابتدا مقابل کارخانه‌ها و شرکت‌های هم جوار، توقف و تجمع کرده تا کارگران، به جمع کارگران معترض پیوسته و یا اعلام حمایت نمایند.

۶- استفاده از وسایل ارتباطات جمعی (شبکه های اجتماعی) جهت خبررسانی و اطلاع رسانی به اذهان عمومی جامعه از الزامات شرایط روز جامعه است.

۷- تشکیل صندوق مالی مشترک در محل کار خود، جهت کمک مالی به همکاران اعتصابی در زمان اعتصاب و اعتراضات.

۸- حمایت و همدلی و همکاری با کارگران معترض و اعتصابی

۹- حمایت مالی از کارگران اعتصابی کارخانه‌های همسایه و همجوار از طریق جمع‌آوری کمک مالی از همکاران و دیگران.

۱۰- حمایت کردن از اعتراضات و اعتصابات کارگران، پرستاران، معلمان به هر طریق ممکن و همچنین جمع‌آوری کمک مالی از ضروریات موفقیت است.

ما از همه مردم آزادیخواه و برابری‌طلب به ویژه کارگران می‌خواهیم پیشنهادات، شیوه‌ها و روش‌هایی را که جهت پیشبرد اعتراضات می‌شناسند، با آدرس ما مکاتبه نمایند. ما نیز تمامی تلاش خود را به کار می‌بریم که آموزه‌های جدید را در اختیار دیگران قراردهیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

برافراشته باد پرچم سرخ مبارزات کارگران جهان

روزجهانی کارگر را حتی با چند نفر در سراسر ایران برگزار کنیم!

در گذر تاریخ

قطعنامه راه‌پیمایی شورای موسس مرکزی اتحادیه‌های سراسری کارگران بیکار واخراجی۱۳۵۸:

"...صندوق وام بیکاری بعد از ٤ ماه باید به صندوق بیمه بیکاری تبدیل شود- حق شرکت نمایندگان واقعی کارگران سراسر ایران در تدوین قانون اساسی - ایجاد کار برای کارگران بیکار در سراسر ایران - حق شرکت نمایندگان واقعی کارگران سراسر ایران در تدوین قانون کار - به رسمیت شناختن سندیکاها و اتحادیه ها و شوراهای واقعی کارگران در سراسر کشور - اخراج کارشناسان خارجی و عدم استخدام آنها در آینده و جایگزین کردن متخصصین ایرانی به جای خارجی - گشایش کارخانه‌ها و پروژه‌های صنعتی و کشاورزی نیمه تمام جهت اشتغال به کار با سرمایه‌های ملی و توسط کارشناسان ایرانی - قطع دست پیمانکاران و واسطه ها با واگذاری حق استخدام اخراج وعقد قراردادها وسایر امور کارگران به سندیکاها و اتحادیه‌ها و شوراهای واقعی کارگران - مجازات عاملین ضرب وجرح و کشتار کارگران در سراسر ایران - ملی کردن سرمایه‌ها و کارخانجات وابسته به کشورهای امپریالیستی و ایجاد کارخانجات بر طبق نیازهای مناطق کشور به ویژه در استان‌های کردستان و بلوچستان و آذربایجان - اختصاص زمان و ساعت مشخص برای پخش اخبار و خواسته‌های کارگران از رادیو تلویزیون و ارتباط با سندیکاها و اتحادیه‌ها و شوراهای واقعی کارگران..."

موقعیت کنونی جامعه، جنبش کارگری و مردمی و چشم‌انداز آینده آن

کانون مدافعان حقوق کارگر– علیرضا ثقفی

در شرایطی قرار داریم که پارامترهای مختلفی در اعتراضات مردمی و کارگری عملکرد دارد که در این اعتراضات جنبش کارگری و چپ خارج از حاکمیت موقعیت خاص و منحصر به فردی را داراست. می‌گویم جنبش کارگری و چپ زیرا که این دو را از هم جدا نمی‌دانم. پیوند جنبش کارگری و چپ از ابتدای و جود این دو با یکدیگر انکار ناپذیر است. از ابتدای تشکیل انترناسیونال اول و حتی از زمان جنبش کارگری چارتیست‌ها این دو در کنار هم بوده‌اند.

امروز نیز شما نمی‌توانید اتحادیه و یا سندیکای کارگری‌ای پیدا کنید که در آن افکار چپ و یا سوسیالیستی از هر نوعش وجود نداشته باشد. هر چند در چند دهه اخیر به خصوص در دوره جهانی‌سازی یعنی از ابتدای دهه ۹۰ قرن گذشته نظام سرمایه‌داری تلاش کرده است تا جنبش کارگری را از چپ جدا کند اما موفقیتی اندک حاصل کرده و در هر موردی با گذشت زمانی اندک بار دیگر پیوند آنان بر قرار شده است. در شرائط موجود برقراری پیوند میان خواسته‌های عمومی و خوسته‌های صنفی امر دشواری نیست زیرا که خود اعتراضات کارگران و معلمان و سایر اقشار این ارتباط را برقرار کرده است. اما برای گسترش و تحکیم این پیوند ما نیاز به روابط مشخص و معینی در میان بخش‌های مختلف اجتماعی داریم تا بتوان پیوند میان خواسته‌های بخش مختلف را به گونه عملی کرد تا به حد قابل قبولی از آنان دست یابیم. یکی از این روابط وجود ساز و کاری میان نیروهای مختلف اجتماعی که متفاوت با ساز و کارهای حاکم بر روابط گروه‌های ارتجاعی است.

دموکراتیسم سرمایه‌دارانه و دموکراتیسم انقلابی.

نظام سرمایه‌داری که خود به وجود آورنده و تقویت‌کننده نیروهای سرکوبگر و حکومت‌های دیکتاتوری است با به کارگیری نهادهای تبلیغاتی و نهادهای سرمایه ساخته تمام تلاش خودرا به کار می‌گیرد تا ابتدا خود را جدا از حکومت‌های دیکتاتوری و پلیس سرکوبگر نشان دهد و سپس با فرهنگ‌سازی‌های دروغین و ایجاد نهادهای سرمایه ساخته به نوعی از دموکراسی مورد قبول خود دفاع کند و خود را دموکرات نشان دهد که گویا دیکتاتوری و سرکوب چیزی جدا از نظام سرمایه‌داری است. دموکراسی مورد قبول این نظام در اساس حفظ سلطه سرمایه‌داری بر تمام شئون زندگی انسانی و قبول نظام استثماری از جانب کارگران و زحمتکشان است. آنها تبلیغ می‌کنند که همگان باید حق اظهارنظر داشته باشند و سرمایه‌داران و کارگران در کنار پلیس و نیروهای امنیتی که از حاکمیت سرمایه بر نیروی کار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید دفاع می‌کنند در کنار یکدیگر به ابراز آزادانه نظراتشان بپردازند مشروط بر انکه قوانین حاکم بر این نظام را رعایت کنند و هیچ گو نه خدشه‌ای بر اصل نظام وارد نکنند و در حقیقت قدرتمند و صاحب سرمایه در برابر آنان که تنها دارای نیروی کار هستند از یک امکان در ابرازنظر برخوردار باشند که صد البته در این میان وسائل ارتباط جمعی و ابزار تبلیغاتی و تمام امکانات دانشگاهی و تحقیق و تربیت صاحب نظران و غیره در اختیاردارندگان سرمایه است و کارگران و زحمتکشان و دارندگان نیروی کار از هیچ امکانی در این زمینه برخوردار نیستند.

اما دموکراتیسم انقلابی، آزادی اندیشه و بیان و تحمل نظر مخالف را در چارچوب انقلاب علیه نظم موجود می‌پذیرد. دموکراتیسم انقلابی نمی‌تواند با پذیرش نظم موجود به ابراز نظر بپردازد زیرا که نظم موجود اساسا تنها آزادی فروش نیروی کار به قیمت تعیین شده از جانب نظام سرمایه‌داری را به او می‌دهد و با پذیرش نظم موجود تن به ابدی شدن نظام استثمار و بهره‌کشی می‌دهد و این با اساس دموکراسی مورد ادعای حتی همین نظام مغایر است زیرا که اگر همه آزاد هستند، باید آزاد باشند که نظام موجود را نپذیرند و باید آزاد باشند که نظام موجود را نفی کنند و نفی نظام موجود جز با اثبات نظام دیگری امکان‌پذیر نیست. پس آنگاه که به نفی نظام موجود می‌نشینیم و به اثبات نظامی دیگر، دموکراتیسم انقلابی مفهوم می‌یابد و آن دموکراتیسمی است در نفی نظام حاکم که در انترناسیونال اول به بهترین شکلش تبلور یافت و در ابتدای انترناسیونال دوم تا حدود زیادی خود را نشان داد ودر اولین مجلس شوراهای انقلابی روسیه آن زمان خود را نمایاند.

در حقیقت دموکراتیسم انقلابی به کلیه گرایش‌های نظری موجود در نفی نظام حاکم احترام گذارده و آنها را به رسمیت می‌شناسد. گرایش‌هائی که سلطه مناسبات سرمایه‌داری را نمی‌پذیرند، زیرا حامیان نظام حاکم سرمایه‌داری به اندازه کافی از دموکراتیسم خودشان برخوردار هستند. آنها آزادانه نیروی کار را استثمار می‌کنند و یا از استثمار نیروی کار بهره مند می‌شوند و در بحرانی‌ترین حالت خواهان اصلاحاتی در درون نظام موجود هستند. (هر چند ممکن است بر سر سهم بیشتر از استثمار نیروی کار چند صباحی جناح‌های مختلف با یکدیگر به جنگ هم بپردازند اما به زودی بر سر میز مذاکرات در حفظ سودهایشان به توافق می‌رسند).

اما اِشکال موجود در جنبش کارگری و به خصوص در ایران در درک همین دموکراتیسم انقلابی است که گاه با دموکراتیسم سرمایه‌داری برای برخی نیروهای طبقه کارگر مخلوط می‌شود.

در گذر تاریخ

قطعنامه شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه ۱۳۵۸:

"...ملی کردن هر چه زودتر کارخانه‌ها بانک ها وموسسات بیمه شرکت ها و معادن و زمین های سرمایه‌داران خارجی و شرکای داخلی آنها – الغای کلیه قراردادهای نابرابر سیاسی اقتصادی و نظامی اسارت‌بار با کشورهای امپریالیستی به خصوص قراردادهای نفتی – اخراج کلیه کارشناسان کشورهای امپریالیستی و جایگزینی متخصصین ایرانی – صنعتی کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع مادر – حمایت از حقوق ملی خلق های ایران ضمن محکوم کردن هر نوع تجزیه طلبی – مصادره زمین‌های مالکان و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به دربار و انتقال به شوراهای دهقانی – پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی ..... و حمایت از طرح شوراهای ایالتی و ولایتی و شرکت فعال تمام طبقات و اقشار در این شوراها – حضور نمایندگان طبقه کارگر در مجلس موسسان – لغو قوانین کارضد کارگری فعلی و تهیه قانون کارجدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران شامل موارد زیر: حق کار مطابق تخصص و تامین معاش زندگی در دوران بیکاری با ایجاد صندوق بیمه بیکاری – قانونی بودن حق اعتصاب و اجتماعات کارگری وعدم دخالت نیروهای انتظامی و پلیس در امور کارگری – ۴۰ ساعت کار در هفته– تعیین حداقل حقوق برابر با مخارج زندگی وافزایش آن متناسب با افزایش سرسام آور قیمت‌ها– تامین مسکن بیمه ، بهداشت رایگان و مصونیت در مقابل خطرات و بیماری‌های ناشی از کار– حقوق مساوی در برابر کار مساوی برای زنان و مردان– برابری مرخصی سالیانه کارگران با کارمندان– تعیین بازنشستگی متناسب با سختی کار و حقوق بازنشستگی با افزایش قیمت‌ها– اخراج کلیه نیروهای نظامی در محیط های کارگری– به رسمیت شناختن سندیکاها و شوراهای واقعی کارگری و انحلال رسمی سندیکاهای طاغوتی– اداره سالن‌ها و تاسیسات کارگری به دست خود کارگران."

۱- این اختلاط گاه به آن چنان شدتی می‌رسد که نیروهای وابسته به طبقات زحمتکش و کارگر در برخوردهای درونی از همان شیوه‌های در برابر یکدیگر استفاده می‌کنند که نظام سرمایه‌داری به آنها آموخته است. از روش‌های تخریب و اتهام‌زنی‌های بدون سند و مدرک و فحاشی‌ها و تخریب شخصیت‌ها استفاده می‌کنند که ارتباطی با نقدهای سازنده و همکاری‌ها و هماهنگی‌های طبقات انقلابی و زحمتکش ندارد ... فحاشی، پرده‌دری و اتهام زنی و پرونده‌سازی تماما مربوط به نیروهای ضدکارگری که همواره برای تخریب نیروهای مخالف به کار گرفته می‌شده است و متاسفانه در بخشی از نیروهای کارگری که هنوز خود را از پیرایه‌های نظام سرمایه‌داری نزدوده‌اند و یا آگاهانه در صفوف مبارزان مقابل این نظام رخنه کرده‌اند، به کار گرفته می‌شود. جنبش کارگری و دموکراتیسم انقلابی باید این ترفندهای نظام سرمایه‌داری را به تاریخ بسپارد و این پلشتی‌ها را همراه با حاملان سمج آنها از صفوف خود دور کند. چنان‌که تا به حال موفقیت‌های بسیار در این زمینه داشته است.

۲- گروه‌های بنیادگرای مذهبی و مرتجعین دست پرورده و سازمان یافته نظام سرمایه‌داری در منطقه تهدیدی جدی برای جنبش کارگری هستند. دسته‌های مسلح آنان آماده‌اند تا جنبش کارگری و نیروهای مترقی را قتل‌عام کرده و یا در نطفه خفه کنند. تقابل با این نیرو ها جز با اتحاد و هماهنگی نیرو های کارگری و ابقلابی امکان‌پذیر نیست. پس باید با اخلاقی انقلابی در هماهنگی نیروهای مردمی به مقابله با این نیروهای ارتجاعی پرداخت که در پنهان و آشکار هر یک از این دسته‌های وابسته به یکی از جناح‌های نظام سرمایه‌داری است.

۳- اکنون زمینه برای ایجاد تشکل‌های سراسری کارگران و فعالان کارگری از هر زمان دیگری آماده‌تر است. زیرا که مزدوران نظام سرمایه‌داری و محافل ضدکارگری برای جنبش کارگری از هر زمانی شناخته‌شده‌تر هستند. ترفندهای نظام سرمایه‌داری و مزدوران آن برای ایجاد تفرقه و تخریب فعالان کارگری تا کنون نه تنها کارگر نیافتاده بلکه آنها را به هم نزدیک‌تر کرده است. اکنون جنبش کارگری و فعالان آن در ایران دریافته‌اند که تنها در سایه وحدت و همدلی و هماهنگی است که می‌توانند با نظام سرمایه‌داری و مناسبات آن مقابله کنند. عدم درک این مسائل در گذشته باعث شده است که در چند دهه گذشته طرفداران حقوق کارگران و دموکراتیسم انقلابی بیش از هر چیز نیروهای یکدیگر را خنثی کرده و این آفت جنبش کارگری است که در صورت فرقه‌گرائی خود را نمایانده است. حذف روابط فرقه‌گرایانه در میان کارگران و فعالان کارگری آنان را قادر خواهد ساخت تا دموکراتیسم انقلابی را در میان خود و سایر اقشار متحد کارگران و زحمتکشان بر قرار کنند.

۴- توافقات اخیر میان حکومت‌گران ایران و کشورهای دیگر نظام سرمایه‌داری نوید روزهای سخت‌تری را برای کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران دارد. هر چند اکنون به نظر می اید که خطر جنگ موقتا از سر کارگران و زحمتکشان سایه برکشیده است، اما نوید توافقات جدید هجوم سیل سرمایه‌های بین‌المللی را برای غارت دسترنج نیروی کار شاغل و نیروهای کارامد و متخصص را که یکی از ماهرترین نیروهای کار منطقه خاورمیانه است به همراه دارد. شرکت‌های بزرگ خارجی همانند گرگ‌هایی در کمین برداشته شدن تحریم‌ها هستند تا تهاجمی بیشتر به منابع انسانی و طبیعی ما را آغاز کنند. هر چند ممکن است که این تهاجم در کوتاه‌مدت اشتغال را بالا ببرد و قدری از آمار بیکاری بکاهد، اما شک نیست که این اشتغال دولتی بسیار کوتاه خواهد داشت و به سرعت جای خود را به سفره‌های خالی و تورم‌های عجیب و غریب و غارت بیشتر دستمزد کارگران خواهد داد به همان گونه که در دوره‌های قبل، همانند دوران به اصطلاح سازندگی شاهد آن بودیم که چگونه رونقی کوتاه مدت منجر به خانه‌خرابی و گرسنکی و فقر و بی‌خانمانی کارگران و زحمتکشان شد و در برابر غارت دسترنج و منابع طبیعی روزگار زحمتکشان را سیاه تر کرد و در انتها ثروت‌های بادآورده برای عده‌ای خاص در مسیر خوش‌گذرانی‌ها و انتقال زندگی و سرمایه به شهرهای خوش اب و هوای دهکده جهانی!! برای زندگی‌های مجلل‌تر به

هزینه کارگران و زحمتکشان شد و هزینه تفریحات بر روی کشتی‌ها در آبهای بین‌المللی، عیاش‌خانه‌ها و گسترش قمارخانه و مصرف انواع جدید مواد اترژی‌زا و مخدر و.... که در برابر بی‌خانمانی و آوارگی و افزایش کودکان و زنان و مردان خیابانی و گسترش آلونک‌نشینی در پناه همین گستردگی غارت و استثمار است.

۵- اکنون شاهد آن هستیم که برای خوشایند سرمایه‌داران جهانی و برای تایید نهادهای بین‌المللی سرمایه‌داری، پیشاپیش دست به تغییر قوانین کار در جهت کم کردن هر چه بیشتر حقوق کارگران وهم چنین لغو ته‌مانده‌های قوانین و مقررات حمایتی از حقوق کارگران و زحمتکشان است که اصلاحیه‌های قانونی را هر روزه در دستور کار قرار می‌دهند تا سرمایه‌داران شرکت‌های جهانی و به اصطلاح چندملیتی با خیالی راحت‌تر از گذشته به چپاول و غارت نیروی کار و منابع طبیعی بپردازند .

۶- اکنون در چنین شرا یطی و با هماهنگ‌تر شدن صفوف نظام سرمایه‌داری در وارد آوردن فشار بیشتر بر زندگی کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم است که باید فعالان کارگری و چپ با در پیش گرفتن سازوکارهای متناسب و با برنامه ریزی‌های دقیق تر در جهت ایجاد هماهنگی، همدلی و وحدت و فشردگی نیروهای خود در ایجاد تشکل‌های سراسری کارگران و فعالان کارگری هر چه بیشتر از حقوق خود دفاع کرده و راه‌های مقابله با تهاجمات جدید و سازماندهی شده را علیه نیروی کار و به طور کلی تمامی آحاد مردمی از معلم و دانشجو و هنرمند و نویسنده تا زنان و قومیت‌ها، همه و همه که در معرض این تهاجم قرار دارند، مورد بررسی قرار دهند.

در گذر تاریخ

قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه ۱۳۸۸

۱- تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و برچیده شدن فرم‌های جدید قراردادکار.

۲-ما حداقل ل دستمزد تصویب شده ازسوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی برمیلیون ها خانواده کارگری می‌دانیم ومصرانه خواهان افزایش فوری حداقل دستمزدها براساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان واقعی و تشکل‌های مستقل کارگری هستیم.

۳- برپایی تشکل های مستقل کارگری ، اعتصاب ، اعتراض ، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ماست و این خواسته‌ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه‌ناپذیر اجتماعی کارگران به رسمیت شناخته شوند.

٤-دستمزدهای معوقه کارگران باید فورا" و بی‌هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت گردد.

٥-اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده‌اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند .

٦- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئونات زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز علیه آنان هستیم.

۷- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویا" محکوم می‌کنیم.

۸-ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان به عنوان کارگران فکری ، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه ، خود را متحد آنها می‌دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان و لغو حکم اعدام فرزاد کمانگر هستیم.

در گذر تاریخ

ادامه قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه ۱۳۸۸

۹- از آنجا که کارگران فصلی و ساختمان به طور کامل از هرگونه قوانین تامین اجتماعی محروم هستند، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می‌کنیم.

۱۰-سیستم سرمایه‌داری عامل کار کودکان است و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین ، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی ، رفاهی و بهداشتی یکسانی برخوردار شوند.

۱۱-ما خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسالو و ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پیگردهای قضایی و امنیتی علیه فعالین کارگری هستیم.

۱۲- ما بدین وسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان اعلام می‌داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم.

۱۳-ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی‌حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم.

۱٤-ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می‌دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تاکید می‌کنیم.

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

چرا دستمزدها هرگز از افزایش چشمگیری برخوردار نمی شود؟

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران – آیت نیافر

عدم کسب پیروزی و موفقیت طبقه کارگر را در کدام نقطه از جنبش کارگری باید جستجو کرد!!؟ سوالی که ما فعالان کارگری و کارگران آگاه و پیشرو باید به آن پاسخ دهیم. بررسی شرایط سخت طبقه کارگر که دستمزدی نازل و چندین برابر زیر خط فقر دارد و پایداری دستمزدهای پایین را در کجا باید پیگیری نماییم؟ بیکاری، گرانی، تورم، قراردادهای سفید و موقت، عدم امنیت شغلی ، ممنوعیت اعتصابات و اعتراضات کارگری عدم وجود تشکل های واقعی مستقل از دولت، حقوق های عقب افتاده و همه این مشکلات و معضلاتی که روی سرخانواده های کارگری و دیگرمزدبگیران فرو دست جامعه آوار گردیده است. چگونه به جنبش کارگری باید جهت داد.موفقیت طبقه کارگر جهت بدست آوردن رفاه اجتماعی را چطور باید پیشبرد؟ تمامی آن، مطالبات کارگران است، که این طبقه اجتماعی بزرگ را به حرکت وا می دارد. درست است که رفاه کارگران با افزایش دستمزد میسر می گردد و افزایش دستمزد یک محور اساسی و اصلی طبقه کارگر است . اما از آمار ۱۲ میلیون کارگرانی که حق بیمه پرداخت می کنند که قابل استناد است . آیا حداقل۱۰٪ این کارگران برای افزایش دستمزد پا به میدان گذاشته اند؟ یعنی اعتراضات و اعتصاباتی جهت«افزایش دستمزد»به وقوع پیوسته است؟ آیا کسی سراغ دارد؟ متأسفانه چنین امری در جنبش کارگری اتفاق نیفتاده است!! باید پاسخ داد چرا، چنین نشده است؟ مگر به فقر و فلاکتی که زندگی شان را فرا گرفته، می توان شک کرد؟ البته که نمی توان شک کرد. با توجه به اجاره مسکن، قیمت ۳۰ هزار تومانی گوشت، و دیگر ارزاق عمومی گران، با داشتن حتی یک فرزند محصّل، دانشجو یا بیکار ، حمل و نقل بهداشت، آموزش، پوشاک، قبوض افزایش یابنده هر فصل(آب، برق،گاز،تلفن). خوراک حتی نان و سیب زمینی باشد.

آیا با وجود فاکتورهای نام برده شده، بازجای شکی برای شخصی باقی می ماند؟؟

باید پرسید: چرا جنبش«افزایش دستمزد»در ایران پدید نمی آید؟!

آیا می توان گفت اختناق و سرکوب مبارزات کارگران است؟

آیا می توان گفت : عدم وجود تشکل است و عدم امنیت شغلی است؟

آیا می توان گفت عدم آگاهی لازم و جوان بودن طبقه کارگر است؟

آیا می توان گفت: پاسخ را بایدجای دیگری جست؟

شرایط موجود برای طبقه کارگر و جنبش آن را بیشتر، کند و کاو کنیم.

افزایش دستمزد، مطالبه ای که برای کارگران حیاتی بوده و از بدو پیدایش نظام سرمایه داری با آن متولد شده است. این خواسته کارگران ، به پرچم اعتراضات کارگران بدل شده بود.

هم اینک نیز جایگاه ویژه خود را دارد، اما با توجه به تغییر شرایط اجتماعی، مطالباتی پیش آمده که افزایش دستمزد ، به پس زمینهٔ دیگر مطالبات کارگران در آمده است.

اینک تعطیلی‌کارخانه‌ها، پدیده اخراج های دست جمعی، قراردادهای موقت و سفید امضاء، عدم پرداخت دستمزدها، تشکیل تشکل‌ها و تغییر قوانین کار، به یکباره کل هستی طبقه کارگر را زیر سوال برده است. بوجود آوردن چنین شرایط سختی برای کارگران، واقعاً اولویت تک‌تک مطالبات را از میان برداشته است، ممکن است که حفظ موقعیت برای کارگران در مقابل یورش همه جانبه سرمایه و دولتش، آنها را تنهادر حالت تدافعی قرارداده باشد.

تعطیلی شرکت‌ها و کارخانه ها، یکی پس از دیگری، لشکر بزرگ بیکاران را هر روز انبوه‌تر می سازد، در چنین موقعیتی، آیا افزایش دستمزد می تواند پرچم کارگران باشد؟ کارگری که بیکار می شود. آن اندک دستمزد رانیز از دست می دهد(یا داده است) آیا اصلاً جایی برای طرح افزایش دستمزد وجود دارد؟؟

یا اینکه برای مزدی کمتر از حداقل دستمزد، نزد کارفرمایان گردن کج می کنند تا به کار گمارده شوند؟

کارگرانی که ماه هاست، دستمزد خود را نگرفته اند، حتی دیگر قادر به پرداخت هزینه قبوض آب و برق و گاز نیستند. این شریانهای حیاتی برای زنده ماندن را نیز از دست داده باشند، آیا می توانند افزایش دستمزد را طلب نمایند. اعتصابات،تجمع ها، راه بستن کارگران، قریب به اتفاق به دلیل تأخیر در دریافت حقوق ها بوده است.

اکنون بیش از ۸۰٪ کارگران با قرار داد موقت و یا سفید امضاء شاغل هستند. یا کارگرانی که در مجموعه های تولیدی کمتر از ده نفر شاغل هستند، و از شمول قانون کار خارج شده اند، هر روز را با دلهره و نگرانی برای از دست ندادن همین شغل خود، از خواب بیدار می شوند، سرکار می روند، و در طول روز شرایط سخت کار را تحمل می کنند، هم چنان با دنیایی دل نگرانی برای حفظ آن شغل، روز را به شب می‌رسانند. آیا طرح افزایش دستمزد را می توانند حتی به تخیل خود راه دهند؟! روی آوردن به شغل دوم و سوم و فکر شاغل شدن همسران و سرکار رفتن کودکان، راه برون رفت از جبران دستمزدهای اندک است.

دولت سرمایه داری شرایطی را بوجود آورده است که توانسته، زندگی ۹۹ درصد جامعه را به راحتی از آنان سلب نماید. عدم موفقیت طبقه کارگر در این معضل نهفته است که این مطالبات به جزء جزء حرکت های متفاوت و پراکنده تبدیل شده، که عدم دستیابی به طبقه کارگر به مطالباتش منتهی گردیده است.

معضل مهم دیگری جنبش کارگری، در فعالیت، فعالین و تشکل های غیر متمرکز و خارج از کارخانه ای کارگران است.

اگر ما فعالین خود را آگاه به امر جنبش کارگری و همچنین پیشرو این جنبش به حساب بیاوریم و مقید به روابط و اصول انسانی بدانیم. باید همکاری عملی و جامع و کاملی را با یکدیگر در پیش بگیریم.

زیرا که امر سازماندهی نه یک گروه یا جمعیت کوچک، بلکه بخش بسیار بزرگی از جمعیت یک جامعه تقریباً ۱۵ میلیون نفری کارگران را در پیش روی خود داریم. این جمعیت بسیار بزرگ، حداقل به افراد حرفه‌ای، سازمانده وفعالین کارگری قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد.

حالا اگر ما تعداد افراد بسیار کم(فعالین کارگری)، میان خود را با افکار و عقاید و سلیقه ها خط کشی کنیم. فعالیت ما جز آب در هاونگ کوبیدن بیش نخواهد بود.

امر سازماندهی جمعیت بزرگی، به افراد فعال حرفه ای زیادی نیاز دارد، تا تحقق امر مطالبات و معضلات آن را پیش ببرند. لذا اگر این تعداد افراد، تنها و تنها برای منافع این طبقه اجتماعی فعالیت کنند، آنگاه می توان از امید و آرزوی ، پیروزی سخن گفت.

لذا نزدیک شدن ما فعالین به یکدیگر یک ضرورت است که با مدیریت و برنامه ریزی، حوضه فعالیت خود را تعیین کنیم و به عنوان کار پروژه ای فعالیت خود را تعریف نماییم. مسلماً موفقیت هایی را در پی خواهیم داشت.

البته موارد حیاتی دیگری از فعالیت های اجتماعی که جنبش کارگری نیازمند آن است، وجود دارد. ما فعالین کارگری باید به آن بپردازیم.

۱- عدم دسترسی به اذهان عمومی کارگران
۲- عدم دسترسی به رسانه های جمعی
۳- در اختیار نداشتن ابزار و وسایل لازم و کافی برای تصویب، قوانین حمایتی از حقوق کارگران

امیدوارم با گشوده شدن این بحث ها، گامی جهت موفقیت طبقه کارگر بدست آوریم.

گزارش مختصری از برگزاری مراسم اول ماه مه در چند سال اخیر

در زمستان ۸۱ در جنوب تهران در زیر زمینی ۳۲ نفر برای تدارک مراسم اول ماه مه دور هم جمع شدند. در پی آن کمیته کارگران برگزارکننده مراسم اول ماه مه ۱۳۸۲ تهران تشکیل شد. این کمیته پس از برگزاری ۱۵ جلسه در فاصله ی دی ۸۱ الی اردیبهشت ۸۲ ، مراسم اول ماه مه سال ۸۲ تهران را درروز اول ماه مه در سالن ورزشی شهدای صادقیه واقع درمیدان پاسگاه پائین‌تراز پل ساوه (نعمت آباد جنوب غربی تهران) با حضور جمع کثیری از فعالان و پیشروان و کارگران کرج و تهران برگزار کرد .

دوم ماه مه ۸۲ در جاده ملارد نزدیک سه راه فردیس مراسم دیگری برگزار و همزمان مراسمی دیگر در کندر واقع در جاده چالوس با حضور کارگران و خانوادهایشان برگزارشد.

اول ماه مه ۸۳ گل گشت خانواده‌های کارگری در منطقه خور جاده چالوس با حضور توده های کارگر برگزار شد. در این سال

در سال ۱۳۸۴ نیز در تهران چندین مراسم برگزار گردید. مراسمی در تالار گل سرخ خیابان سازمان آب برگزار شد. در خور، جاده کرج چالوس نیز برای چندمین سال توده کارگران همراه خانواده های خود گرد آمدند.

در ۱۳۸۵ گروهی از کارگران و فعالان کارگری مراسم اول ماه مه را راس ساعت ۲ بعد از ظهر در پارک سوار آزادی (ترمینال اتوبوس واحد) شروع کردند بعد از حضور موثر و فعال در مراسم مقابل سفارت آمریکا خیابان طالقانی و حضور گسترده در مراسم کارگران اتوبوس واحد تهران در خیابان هنگام رسالت ، در ترمینال اتوبوس واحد میدان آزادی حضور به هم رسانند . در این مراسم کارگران خودروسازی ، کارگران بیکار، کودکان کار، تعدادی از رانندگان پایانه اتوبوس واحد ، مسافران و سربازان در این مراسم حضور داشتند. در حالیکه این مراسم در حال اوج‌گیری بود، مورد حمله پلیس قرار گرفت. چهار تن دستگیر شدند که در نهایت پس از ۴ ساعت بازداشت آزاد گردیدند.

در این سال روز ۸ اردیبهشت نیز بیش از ۲۵۰۰نفر از کارگران بخش‌های مختلف کارگری به همراه خانواده های خود در منطقه خور جاده چالوس همچون چند سال گذشته مراسم خود را برگزار کردند. در تمام این سال‌ها بخش هایی از کارگران نیز در برنامه‌های کوهپیمایی و زیست محیطی این روز را گرامی داشتند.

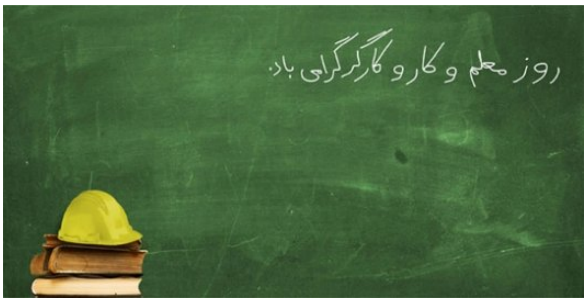

نگاهی به مراسم و رویدادهای روز جهانی کارگر در ایران - اردیبهشت ۱۳۹۴

فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر: پیش به سوی برگزاری هر چه با شکوه‌تر مراسم اول ماه مه، پیش به سوی اعتراضات متحدانه و سراسری

مراسم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، در حالی هر ساله در جای جای جهان از سوی میلیون‌ها کارگر برگزار می‌شود که پس از گذشت بیش از ۳۶ سال از انقلاب آزادیخواهانه ۵۷، هنوز حکومت‌گران در ایران برگزاری آزادانه مراسم این روز را به رسمیت نمی‌شناسند و سال‌هاست با نزدیک شدن ۱۱ اردیبهشت، فعالین کارگری مورد تهدید قرار می‌گیرند و یا بدلیل برگزاری مراسم روز جهانی کارگر به زندان افکنده می‌شوند.

ترس و وحشت سرمایه‌داری حاکم بر ایران از برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگر، ترس آنان از قدرت متحدانه ما کارگران است. اینان نیک می‌دانند که قدرت متحد کننده این روز بزرگ می‌تواند نقطه اتکائی برای اعتراضات همبسته و سراسری ما کارگران جهت ایستادگی در مقابل غارت و چپاول دسترنج مان باشد، به همین دلیل نیز سعی در جلوگیری از شکل‌گیری برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه و تثبیت جایگاه آن در میان ما کارگران دارند.

اگر به ما کارگران اجازه ایجاد تشکیلات مستقل کارگری را نمی‌دهند، اگر برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگر ممنوع است، اگر ما را به جرم جمع‌آوری طومار چهل هزار نفری برای افزایش حداقل مزد به زندانهای طویل المدت محکوم می‌کنند، اگر راهپیمائی و تجمع هزاران نفره ما ممنوع است و اگر چنین کارهائی را در این مملکت جرمی امنیتی تلقی می‌کنند، همه و همه به این دلیل است که دولت و صاحبان سرمایه می‌دانند که این حرکت‌ها، حرکت‌هایی متحدکننده است که می‌توانند با متحد کردن ما کارگران، قدرت‌مان را برای دست‌یابی به حقوق انسانی‌مان صد چندان کنند و می‌دانند که متحد شدن ما کارگران در سراسر کشور به معنای پایان دادن به چپاول دولت و صاحبان سرمایه و به معنای به خطر افتادن سودهای نجومی شان از دسترنج ما کارگران است.

کارگران و یاران و همکاران در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی سراسر کشور

برای پایان دادن به حداقل مزد خفت بار ۷۱۲ هزار تومانی، برای رهائی از فقر و فلاکت، برای برچیده شدن قراردادهای اسارت‌بار موقت و سفید امضا و برای پایان دادن به هر شکلی از بی‌حقوقی و ذلت و خواری باید متحد شد و باید با برگزاری آزادانه روز جهانی کارگر و تحمیل قاطعانه آن بر حکومت‌گران، آنرا به نقطه اتکائی برای متحد شدن در مقابله با ظلم و جور تبدیل نمود.

ما امسال در حالی به استقبال اول ماه مه می‌رویم که جنبش عظیم و یکپارچه‌ای از کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر توده‌های زحمتکش مردم ایران بر سر معیشت و پایان دادن به فقر و فلاکت در حال شکل‌گیری است و روزی نیست که ما کارگران در جای جای کشور دست به دهها اعتصاب و اعتراض نزنیم.

بی‌تردید بدون به هم پیوستن این اعتراضات، بدون سراسری شدن آنها و بدون به هم پیوستن اعتراضات ما کارگران با معلمان و پرستاران و عموم توده‌های مردم زحمکش ایران، اعتراضات محلی و جداگانه‌ی ما نه تنها قادر به عقب راندن دولت و کارفرمایان برای دست یابی به یک زندگی شرافتمندانه و انسانی نخواهد شد بلکه همانگونه که تاکنون شاهد بوده ایم هر روزه با تصویب قوانین ضد کارگری، گسترش اخراج سازی‌ها، تعویق دستمزدها، تحمیل حداقل مزد ناچیز و خفت بار، آزاد سازی قیمت‌ها و محکوم کردن مان به زندان و شلاق، شرایط فلاکت بارتری را بر ما تحمیل خواهند کرد.

پس ما کارگران دست در دست هم، روز اول ماه مه به خیابان‌ها خواهیم آمد و به هر نحو مقتضی که می‌توانیم مراسم این روز را با خواست پایان دادن به فقر و فلاکت، افزایش حداقل مزد به ۳

میلیون تومان و پایان دادن به سرکوب و بی‌حقوقی برگزار خواهیم کرد و با ایستادگی قاطعانه در برابر هر گونه ممنوعیتی برای برگزاری مراسم اول ماه مه، برگزاری آزادانه آنرا بر حکومتگران تحمیل خواهیم نمود و این روز بزرگ و تاریخی را به نقطه اتکائی برای متحد شدن و اعتراضات سراسری تبدیل خواهیم کرد.

پیش به سوی برگزاری هر چه باشکوه تر مراسم اول ماه مه،

پیش به سوی اعتراضات متحدانه و سراسری

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان، پرستاران و عموم مردم زحمتکش و آزادیخواه ایران

زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

اتحادیه آزاد کارگران ایران – پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قطعنامه سه تشکل کارگران و معلمان به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر: دستمزد ۷۱۲ هزار تومانی تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون‌ها کارگر است

کارگران، معلمان و مردم شریف ایران

امسال در شرایطی مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) را پاس می‌داریم که بحران ساختاری سرمایه‌داری از بخش مالی و سیستم بانکی آمریکا بیرون زده و تمام جهان را فراگرفته است. سیاست‌های نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای برون رفت دولت‌های سرمایه‌داری از بحران عملا به بن بست رسیده است. لاجرم سرمایه‌داری در هراس از انفجار اجتماعی با فروپاشی بازار، نفیر جنگ و فاشیسم را در سراسر جهان علی الخصوص منطقه خاورمیانه به صدا درآورده و استعمار نو را بازآفرینی کرده است. سرمایه‌داری برای نجات خود از بحران از هیچ سبعیت و درندگی علیه توده‌های کارگر و زحمتکش، از کشتار بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع غزه تا جنگ در اکراین گرفته و حمایت از گروه‌های تروریستی برای کشتار مردم در سوریه، عراق و شمال آفریقا و اخیرا در اتحادی شوم علیه مردم یمن، کوتاهی نمی‌کند و آشکارا کمر به نابودی زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای منطقه بسته‌اند.

این بحران و تبعات ویرانگر آن گریبانگیر زندگی و معیشت کارگران ایران نیز شده است. بطوری که دستمزدها بشدت زیر خط فقر قرار دارد، اخراج و بیکارسازی‌ها شکل سریع‌تری به خود گرفته و پرداخت حداقل دستمزدهای بخور و نمیر به موقع صورت نمی‌پذیرد، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا بخش دیگری از ده‌ها و صدها نقض حقوق کارگران است که مدت‌هاست از سوی کارفرمایان و حامیانشان ادامه دارد و هر ساله به عمق و دامنه آن نیز افزوده می‌شود.

کارگران و معلمان در مقابل این وضعیت دیوار سکوت را شکسته و بر مطالبات برحق صنفی خود در هر شکل ممکن پافشاری

کرده‌اند. آنان تولید کنندگان ثروت و معماران جامعه هستند و حق دارند که از بالاترین استانداردهای زندگی امروزی بهره‌مند باشند.

در روز جهانی کارگر و در راستای تحقق خواست‌های برحق خود مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می‌داریم.

۱- ما حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگران و معلمان، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان و اجرای کامل آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور در مورد کارگران را خواستاریم.

۲- برابری کامل زن و مرد در تمام جوانب زندگی اجتماعی و اقتصادی و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آن‌ها.

۳- اعلام اول ماه مه به عنوان روز تعطیل در تقویم رسمی کشور و برداشتن هرگونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم مستقل این روز.

۴- لغو کلیه احکام غیر قانونی زندان، شلاق، تبعید و... علیه فعالین صنفی کارگری و معلم.

۵- ممنوعیت کار کودکان، حق تحصیل رایگان برای کودکان ایرانی و اتباع خارجی.

۶- توقف اخراج و بیکارسازی‌ها، لغو کلیه قراردادهای موقت و سفید امضا و بازبینی وضعیت نامطلوب شرایط کاری کارگران و معلمانی که طرف قرارداد آنان کارفرمای خصوصی است.

۷- به استناد قانون کار افزایش دستمزد کارگر هیچ ربطی به نرخ نان و یا هر کالای دیگری ندارد، هرگونه تبلیغات توسط رسانه‌های دولتی در این مورد را محکوم می‌کنیم.

۸- تعیین دستمزد ۷۱۲ هزار تومانی از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون‌ها کارگر دانسته و خواهان افزایش دستمزد متناسب با تورم موجود در جامعه می‌باشیم. ما ضمن رد جلسات سه جانبه برای تعیین دستمزد کارگران، خواهان تعیین دستمزدها با حضور نماینده منتخب کارگران هستیم.

۱۰. ما بااعلام پشتیبانی از اعتراضات برحق کارگران، معلمان، پرستاران و... حمایت قاطع خود را از ایجاد تشکل‌های سراسری مستقل [...] اعلام می‌نماییم.

۱۱. ما کارگران و معلمان جنگ افروزی دول غربی و متحدین منطقه‌ای آنان را محکوم و خواستار پایان دادن به هر گونه تبلیغات جنگ افروزانه هستیم.

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر – انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج و حومه، انجمن صنفی کارگران خبازی‌های مریوان و سروآباد و انجمن صنفی معلمان مریوان

زنده با اتحاد و همبستگی تمامی کارگران جهان – برگزاری مراسم اول مه در اندیمشک

روز جهانی کارگر با حضور ۵۰ نفر از فعالین کارگری و اجتماعی در شهر اندیمشک برگزار گردید. در این مراسم تاریخچه روزجهانی کارگر توسط مجری برنامه بیان گردید ودر ادامه یکی از فعالین کارگری ضمن تبریک این روز به تما م کارگران به بررسی وضعیت کارگران پرداخت و در انتها با خواندن بیانیه‌ای که حول خواسته‌ها و مطالبات کارگران بود. این جلسه پس از دو ساعت خاتمه یافت. بار دیگراین روز را به تمامی کارگران و توده زحمت‌کش شادباش می‌گوییم.

مراسم روز جهانی کارگر از سوی کارگران تهرانی در مقابل مجلس با طنین شعارهای کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد و... برگزار شد

مراسم روز جهانی کارگر از سوی کارگران تهرانی در مقابل مجلس شورای اسلامی با شعار افزایش مزد، کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد برگزار شد.

در گرامیداشت روز جهانی کارگر و در اعتراض به سرکوب و فقر و فلاکت و حداقل مزد، کارگران تهرانی دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند. در این تجمع که علیرغم فضای امنیتی شدید، نزدیک به یک صد کارگر شرکت کرده بودند کارگران شرکت‌کننده با طنین شعارهای: کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، کارگر معلم اتحاد اتحاد، معیشت منزلت حق مسلم ماست، سرمایه‌دار حیا کن مملکتو رها کن و... مقابل مجلس را به صحنه پرشوری از فریاد و اعتراض کارگری در گرامیداست روز جهانی کارگر تبدیل کردند.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، در پی این تجمع تعدادی از معلمان بازنشسته که در مقابل مجلس تجمع کرده بودند با در دست گرفتن پلاکاردهای کارگران و پیوستن به آنان، فضای شورانگیزتری را به این تجمع دادند و این مراسم به مراسمی سیصد نفره از کارگران و معلمان بازنشسته تبدیل شد.

بنا بر این گزارش، در پی این وضعیت نیروهای امنیتی تلاش کردند دو گروه شرکت‌کننده در تجمع را از هم جدا کنند اما پلاکاردهای کارگران تا آخر مراسم در دست‌های معلمان بود.

در ادامه این تجمع که با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران برگزار شد، شاپور احسانی‌راد قعطنامه اول ماه مه تشکل‌های مستقل کارگری ایران را به مناسبت اول ماه مه قرائت کرد که با کف زدن و شعارهای زنده باد اول ماه مه ، زنده باد کارگر، مورد تایید شرکت کنندگان در تجمع قرار گرفت.

در این تجمع سه بنر بزرگ با شعارها و مطالبات زیر در دست تجمع کنندگان بود: ۱- گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، مزد خفت بار ۷۱۲ هزار تومانی را تحمل نمی‌کنیم، حداقل هزینه زندگی ۳۵۰۰۰۰۰ مزد کارگر ۷۱۲۰۰۰، مجازات شلاق بر علیه کارگران بازگشت به عهد بربریت است ۲- حکم زندان جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری اعتراض به حداقل مزد را لغو کنید ۳- ۱ درصد تامین ۹۹ درصد گرسنه گرسنه

در پلاکادهای این تجمع نیز شعارها و مطالبات زیر نوشته شده بود: معیشت منزلت حق مسلم ماست، حکم جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی ملغی باید گردد، کارگر کارگر اتحاد اتحاد، کارگر معلم اتحاد اتحاد، گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر، نه به فلاکت نه به تورم، آیا اعتراض به سطح معیشت جوابش زندان و شلاق است، کارگر زندانی آزاد باید گردد، هزینه زندگی ۳۵۰۰۰۰۰ تومان حداقل مزد ۷۱۲۰۰۰ تومان، ۱ درصد تامین تامین ۹۹ درصد گرسنه گرسنه و...

کارگران شرکت کننده در مراسم در حالی تا پایان این مراسم اقدام به شعار دادن می‌کردند که نیروهای امنیتی حضور سنگینی در محل داشتند و عملا اجازه هیچ‌گونه برداشت فیلم و یا عکاسی از این تجمع پرشور را به تجمع کنندگان ندادند.

در پایان این مراسم قطعنامه تشکلهای مستقل کارگری ایران پس از قرائت، رسما تحویل مسئولین مجلس شورای اسلامی شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با درود به کارگران شرکت‌کنندگان در مراسم اول ماه مه، برگزاری موفقیت‌آمیز و پرشور این مراسم در مقابل مجلس را به همه شرکت‌کنندگان در آن تبریک می‌گوید و با فراخوان به عموم کارگران برای تداوم برگزاری مراسم روز جهانی کارگر تا روز ۱۱ اردیبهشت، بر ایستادگی آنان در مقابل هرگونه ممنوعیتی برای برگزاری مستقلانه و آزادانه مراسم این روز تاکید می‌کند. **اتحادیه آزاد کارگران ایران – هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴**

برگزاری روز جهانی کارگر در دفتر سندیکای خبازان سقز

به گزارش رسیده در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ روز جهانی کارگر در محل دفتر سندیکا خبازان سقز برگزار گردید. در این مراسم رییس سندیکا محمد احمد پور در باره اوضاع معیشتی کارگران و افزایش ۱۷ درصدی دستمزد، اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و پیگیری مطالبات کارگری صحبت کرد، سپس محمد عبدی پور از اعضای سندیکای خبازان سقز و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در باره اوضاع فلاکت بار طبقه کارگر در ایران و دستمزدهای چند ین برابر زیر خط فقر، ضرورت اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ،فاصله طبقاتی در ایران، بیمه تامین اجتماعی، حقوق معوقه کارگران و هشدار این موضوع که عوامل سرمایه داری می خواهند با رخنه به جنبش کارگری با ایجاد تفرقه و دو دستگی از صفوف متحد ما جلو گیری کنند ، صحبت کرد.

در ادامه این مراسم دو قطعه شعر قرائت شد . این مراسم با استقبال حاضرین روبرو شد و در ساعت ۷ و سی دقیقه پایان یافت .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تسکل‌های کارگری – ۱۱ اردیبهشت۱۳۹۴

بازداشت کارگران در آستانه اول ماه مه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، فشار سرمایه و عوامل آن بر کارگران و فعالین کارگری بیش‌تر شده است. در همین رابطه باخبر شده ایم که در آخرین ساعات روز سه شنبه و بامداد روز چهارشنبه ۸ و ۹ اردیبهشت، مامورین اطلاعاتی و امنیتی به خانه‌های تعدادی از کارگران و فعالان کارگری مراجعه کرده و تنی چند از آنان از جمله ابراهیم مددی، داود رضوی، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی و ... را بازداشت اند. و این در حالی است که تعداد دیگری از این کارگران و فعالین کارگری در روزها و هفته‌های گذشته در دیگر شهرها، از جمله شهر سنندج دستگیر یا احضار شده و از جانب این نیروها مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته اند.

یورش به منازل کارگران و فعالین کارگری و احضار، بازداشت و زندانی کردن آن‌ها و خانواده‌هایشان، در شرایط کنونی و در روزهای اخیر به بخشی از فشارهایی تبدیل شده است که سرمایه‌داران و عوامل آنان برای ممانعت از برگزاری هرچه باشکوه‌تر اول ماه مه و فراتر از آن، ممانعت از مطرح شدن خواستها و اعتراضات کارگران به موارد و موضوعاتی از قبیل حقوق‌های معوقه کارگران، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء و در این رابطه ایجاد ناامنی شغلی برای کارگران، اخراج و بیکارسازی آنان، کاهش خدمات تامین اجتماعی و چپاول این صندوق و به ویژه دستمزدهای زیرخط فقر صورت می‌گیرد. صاحبان سرمایه و حامیان آن‌ها به خوبی می‌دانند که استثمار هر چه بی‌رحمانه تر کارگران و دستیابی به برنامه و سیاست‌های مورد نظر سرمایه‌داران، برای انباشت و سودآوری هرچه بیش تر سرمایه و مهیا نمودن شرایط برای رشد و گسترش روزافزون آن، بدون اعمال فشار به کارگران و سرکوب جنبش‌های حق طلبانه‌ی آنان، به راحتی امکان پذیر نخواهد بود. لذا همه‌ی سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرد تا با ایجاد فضای ترس و ناامنی در جامعه

و در این رابطه احضار و تهدید کارگران و فعالان کارگری و بازداشت و زندانی کردن آنان حتی المقدور از رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی جلوگیری نمایند.

عوامل سرمایه سال‌هاست که شاهرخ زمانی، محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و از اعضای کمیته پیگیری را به بهانه‌های واهی بازداشت و زندانی کرده و به حبس‌های طولانی مدت محکوم نموده است. در همین رابطه یوسف‌آب خرابات و واحد سیده از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی هر یک به دوسال حبس تعزیری محکوم شده و هم اکنون دوران حبس خود را سپری می‌کنند و حسن رسول‌نژاد دیگر فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی نیز به ۱ سال زندان محکوم شده است.هادی تنومند و جمال میناشیری از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی هر یک به ۳/۵ سال حبس تعزیری محکوم و در انتظار احکام دادگاه تجدید نظر هستند؛ قاسم و ابراهیم مصطفی پور و محمد کریمی از فعالان کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی هر یک به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شده و در انتظار احکام دادگاه تجدید نظر می‌باشند؛ جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی، از فعالین کارگری و از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران، به ترتیب به ۶ و ۳/۵ سال زندان محکوم شده و به همراه فرزاد مرادی نیا از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی در انتظار احکام دادگاه‌های تجدید نظر و بدوی می‌باشند.

در چند هفته اخیر تعداد زیادی از کارگران و فعالین کارگری، احضار یا بازداشت شده‌اند که نظری به لیست تنها بخش‌هایی از آن خود می‌تواند گویای بسیاری از مسائل باشد. از جمله‌ی این کارگران و فعالین کارگری می‌توان از: ابراهیم مددی نایب رئیس و داوود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یاد کرد که در ساعات پایانی روز سه شنبه ۸ اردیبهشت و بامداد روز چهار شنبه ۹ اردیبهشت بازداشت شده اند. محمود صالحی فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی و عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری و سخنگوی کمیته دفاع از کارگران مهاباد در روز سه شنبه ۸ اردیبهشت به ترتیب در شهرهای سقز و مهاباد دستگیر شده اند. خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای چندمین بار احضار و توسط مامورین امنیتی مورد بازجویی قرار گرفته است. همچنین طی روزها و هفته‌های اخیر رضا امجدی، کورش بخشنده، حامد محمود نژاد و نظام صادقی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی و فؤاد و آرام زندی از فعالان کارگری، به همراه منیژه صادقی فعال زنان و کودکان توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی باز داشت و روانه زندان‌ها شده اند. ریبوار عبدالهی، فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی نیز در تاریخ ۲۲ فروردین بازداشت و به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است که هم اکنون در حال گذراندن حکم زندان خود در زندان شهر سنندج است.

عوامل سرمایه درصددند تا با اعمال فشار به کارگران و فعالان کارگری، آنان را مرعوب نموده، از ادامه‌ی کار که چیزی جز دفاع از منافع طبقه‌ی کارگر در عرصه‌های مختلف نیست بازدارند. در حال حاضر بسیاری از کارگران و فعالین جنبش‌های اجتماعی از جمله رسول بوداغی و.محمود باقری و عبدالرضا قنبری صرفاً به اتهام واهی "اقدام علیه امنیت ملی" ، "اجتماع به قصد تبانی" ، "تبلیغ علیه نظام" و اتهامات و در واقع بهانه‌هایی از این دست سال‌های زیادی از عمر و زندگی خود را در زندان سپری کرده و در حال گذراندن مدت محکومیت خود هستند و کارگران و فعالانی چون رضا شهابی نیز پس از گذراندن چندین سال از محکومیت زندان خود، پس از یک عمل جراحی سخت وحساس در مرخصی استعلاجی بسر می‌برد. این کارگران و فعالان کارگری در واقع تاوان فعالیت‌ها و مبارزات خود را برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران و بهروزی و رهایی طبقه‌ی کارگر از وضعیت اسف بار و طاقت فرسای موجود پس می‌دهند. آنان با دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ، حتی در طول مدت حبس و زندان خود، این اتهامات را که صرفاً برای دربند کردن کارگران و فعالان کارگری توسط سرمایه‌داران علم می‌شوند خنثی نموده و آن‌ها را به حربه‌ای علیه سرمایه تبدیل کرده اند. عوامل سرمایه در واقع با احضار، بازداشت و زندانی کردن این کارگران و فعالان کارگری، و

محکوم کردن آن‌ها به زندان‌های طویل‌المدت در واقع عمقِ کینه و نفرت خود را نسبت به کارگران و مردم به جان آمده از ظلم و ستم سرمایه به نمایش می‌گذارند.

اما تاریخ جنبش کارگری خود، گواه این حقیقت بوده و هست که این گونه سرکوب‌ها و اِعمال فشارها هیچگاه نتوانسته است کارگران و فعالان راه رهایی این طبقه را از تلاش و مبارزه برای پیگیری خواست‌ها و مطالبات شان باز داشته و از ادامه راه منصرف نماید. اگر چه فشار و سرکوب و زندان صاحبان سرمایه و عوامل آن‌ها همواره بدرقه راه شان بوده و هیچگاه این کارگران و فعالان کارگری را رها نکرده است.

سرمایه‌داران و عوامل آنان تا به امروز و لااقل با مشاهده‌ی روند حرکت جنبش کارگری و فعالان آن باید متوجه شده باشند که با این قبیل اقدامات نمی‌توان جنبش عظیم و گسترده‌ای را که به حکم جایگاه و موقعیت طبقاتی خویش در نظام نابرابر و ضدکارگری سرمایه‌داری، برای بهبود شرایط کار و زندگی خویش و رهایی از ستم و استثمار طبقاتی تلاش و مبارزه می‌کند برای همیشه متوقف نمود و از تحرک و مبارزه برحذر داشت. سرمایه‌داران و عوامل آنان باید بدانند که جنبش کارگری و فعالان پیگیر و مخلص آن تمام شدنی نیستند و تا زمانی که سلطه‌ی سرمایه و بهره کشی هر چه وحشیانه تر طبقه‌ی کارگر به دست صاحبان سرمایه، ادامه داشته و زندگی را بر طبقه کارگر تیره و تار کرده است، تا زمانی که سرمایه‌داران به ضرب زور و سرکوب و اخراج و بیکارسازی کارگران و ارعاب و تهدید و بازداشت و زندان آنان، درصدد تحمیل انواع بی‌حقوقی‌ها و بی‌حرمتی‌ها به این طبقه برآمده و آن‌ها را یکی بعد از دیگری به طبقه‌ی کارگر و اکثریت قریب به اتفاق مردم تحت ستم و استثمار جامعه تحمیل می‌نمایند و سرانجام تا زمانی که نتیجه و ماحصل کار و تلاش کارگران از تولید ثروت و رفاه برای جامعه، چیزی جز خانه خرابی و فقر مطلق نیست، جنبش کارگری به راه خود ــ که هیچ چیز جز بهبود مداوم و پیوسته‌ی شرایط کار و زندگی و رهایی از منجلاب متفن سرمایه نیست ــ ادامه خواهد داد و باز نخواهد ایستاد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن این قبیل فشارها و هر گونه احضار، تهدید و دستگیری کارگران و فعالین کارگری، برپایی آزادانه مراسم روز جهانی کارگر (اول ماه مه) را حق طبیعی همه کارگران دانسته و خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط همه کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌باشد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

- ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴

ابراهیم مددی و داود رضوی بازداشت شدند

در ساعت ۲۰ دقیقه بامداد روز چهارشنبه نهم اردیبهشت آقای ابراهیم مددی رئیس سندیکای شرکت واحد و داود رضوی عضو هیئت مدیره طی مراجعه ماموران لباس شخصی به منزل ایشان بعد از بازرسی و تفتیش منزل بازداشت شدند.

در حال حاضر از مکان بازداشت ایشان اطلاعی در دست نیست. سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت غیرقانونی اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد را در آستانه روز جهانی کارگر (اول ماه مه) محکوم می‌کند. و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط اعضای هیئت مدیره سندیکا می‌باشد.

سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه - اردیبهشت ۹۴

جلوگیری از برگزاری جشن روز کارگر در شرکت واحد

مدیریت و حراست شرکت واحد و پلیس امنیت عمومی با حضور بسیار گسترده در پایانه آزادی محل برگزاری جشن اول ماه مه کارگران شرکت واحد مانع از برگزاری مراسم این روز در ساعت مقرر شدند.

این مراسم قرار بود ساعت ۱۳ روز چهارشنبه نه اردیبهشت ماه برگزار شود اما با بازداشت سه شنبه شب آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی و حضور گسترده پلیس امنیت با لباس شخصی از صبح چهارشنبه در پایانه آزادی و خیابان‌های اطراف و تماس تلفنی پلیس با اعضاء سندیکا و تهدید آنان، مراسم در ساعت ۱۷ همان روز پس از اینکه پلیس محل را ترک نمود برگزار شد. و کارگران با راهپیمایی در پایانه آزادی و فریاد شعار کارگر کارگر اتحاد اتحاد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زنده باد سندیکا همراه با پخش شیرینی بین همکاران و مردم این روز بزرگ را گرامی داشتند.

سندیکا بازداشت اعضاء و جلوگیری از برگزاری جشن روز کارگر را شدیدا محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط آقایان ابراهیم مددی ریس و داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکا می‌باشد. **سندیکای کارگران شرکت واحد**

ضرب و شتم و بازداشت پدرام نصراللهی(نه به ز) در سنندج

بنا به خبر دریافتی روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر پدرام نصراللهی (نه به ز) فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی در شهر سنندج با هجوم مامورین لباس شخصی در حالی که به همراه همسرش در خانه یکی از دوستانش مهمان بود دستگیر گردید.

بر اساس این گزارش مامورین بدون ارائه حکم و هیچ گونه توضیحی این فعال کارگری را درجلو چشمان همسر و صاحب خانه زیر ضربات مشت و لگد گرفته و بازداشت نمودند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری پدرام نصراللهی، خواهان آزادی فوری و بی‌قید شرط نام برده و تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی می‌باشد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴

احضار شیث امانی به اداره اطلاعات سنندج - احضار و بازداشت فعالین کارگری را قویا محکوم می‌کنیم

شیث امانی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بعد از ظهر امروز دهم اردیبهشت ماه به اداره اطلاعات شهر سنندج احضار و بیش از ۵ ساعت مورد بازجوئی قرار گرفت.

در این بازجوئی مامورین امنیتی با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران و تجمعاتی که توسط اتحادیه برگزار می‌شود سعی کردند شیث امانی را از تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر و شرکت در آن برحذر کنند. شیث امانی نیز با اشاره به حداقل مزد خفت بار ۷۱۲ هزار تومانی و شرایط مصیبت بار معیشتی که بر میلیونها خانواده کارگری تحمیل شده

است برگزاری تجمعات اعتراضی، منجمله برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و شرکت در آنرا حق کارگران دانست.

امروز احضار شیث امانی در حالی صورت گرفت، که طی روزهای گذشته مامورین امنیتی با بازداشت داوود رضوی، پدرام نصراللهی، ابراهیم مددی، عثمان اسماعیلی، محمود صالحی و احضار خالد حیسنی و جعفر عظیم زاده تلاش کردند تا به هر وسیله ممکن، مانع برپائی هرگونه مراسمی از سوی کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر بشوند. با اینحال تا همین امروز (دهم اردیبهشت) کارگران عضو و مرتبط با اتحادیه آزاد کارگران ایران با برگزاری تجمع اعتراضی در روز هشتم اردیبهشت در مقابل مجلس و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران در روز نهم اردیبهشت با حضور در پایانه اتوبوسرانی آزادی، مراسم مستقلانه روز جهانی کارگر را برگزار کردند.

بی‌تردید، احضار و بازداشت‌های گسترده فعالین کارگری در شهرهای تهران، سقز و سنندج در آخرین روزهای منتهی به اول ماه مه نتیجه ترس و وحشت سرمایه‌داری حاکم بر ایران از نهادینه شدن این روز به مثابه نقطه اتکائی برای اتحاد کارگران و بروز اعتراضات وسیع و بزرگ کارگری است.

ما با محکوم کردن احضار و بازداشت فعالین کارگری در طول روزهای گذشته و بازداشت رضا امجدی، کورش بخشنده، حامد محمود نژاد، نظام صادقی ، ریبوار عبدالهی، فواد و آرام زندی، منیژه صادقی و صدور احکام سنگین زندان بر علیه جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی که طی دو ماه گذشته صورت گرفته است. اعلام می‌داریم دست بردن سرمایه‌داری حاکم بر ایران به چنین بازداشت‌های گسترده‌ای نه تنها هیچ تاثیری در کاهش اعتراضات کارگری نخواهد داشت بلکه با تداوم وضعیت مصیبت بار کنونی دیری نخواهد پائید که میلیونها کارگر از جنوب تا شمال و غرب و شرق کشور متحدانه دست به اعتراضات زیر و رو کننده‌ای خواهند زد و هیچ نیروی سرکوبی را یارای مقابله با خشم فرو خفته آنان نخواهد بود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با هشدار به تداوم و گسترش هر روزه سرکوب اعتراضات کارگری، بازداشت، احضار و تعقیب قضائی فعالین کارگری، مصرانه خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه کارگران دربند و پایان دادن به سرکوب اعتراضات کارگری است و بدینوسیله از عموم کارگران در سراسر کشور میخواهد تا با برگزاری آزادانه و مستقلانه مراسم روز جهانی کارگر در مقابل هر گونه محدودیت و ممنوعیتی نسبت به برگزاری مراسم این روز ایستادگی کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جعفر عظیم زاده به دفترپیگیری وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجوئی قرار گرفت

جعفر عظیم‌زاده که به دنبال احضار دفتر پیگیری وزارت اطلاعات ساعت ۱۷ دیروز در این نهاد حاضر شده بود، پس از ۵ ساعت بازجوئی آزاد شد.

در این بازجوئی، مامورین امنیتی در رابطه با قطعنامه مشترک تشکلهای کارگری و تجمع کارگری در مقابل مجلس به مناسبت اول ماه مه، جعفر عظیم زاده را متهم به تجمع و ارائه قطعنامه مشترک غیر قانونی کردند که وی ضمن دفاع از تجمع در مقابل مجلس و سنت طبقه کارگر در عمل متحدانه به مناسبت اول ماه در رابطه با قطعنامه، اتهام غیر قانونی بودن این گونه فعالیتها را رد کرد و بر حق کارگران در دفاع از زندگی و معیشت شان تاکید نمود.

جعفر عظیم زاده دیروز در حالی به مدت ۵ ساعت و با اعلام احتمال تشکیل پرونده دیگری بر علیه اش، مورد بازجوئی قرار گرفت که به جرم فراخوان سال گذشته اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر و دیگر فعالیت‌هایش در دادگاه بدوی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به شش سال زندان محکوم شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، با محکوم کردن احضار جعفر عظیم زاده و بازداشت فعالین کارگری در طول روزهای گذشته، با تاکید بر حق کارگران ایران برای برگزاری مراسم اول ماه مه، از آنان میخواهد تا با حضور در خیابانها و شرکت در مراسم روز جهانی

کارگر، در مقابل هرگونه ممنوعیت و محدودیتی برای برگزاری مراسم این روز ایستادگی کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران بر علیه فاشیسم خانه کارگر به کارگران و مردم شریف افغانستان

امروز یازدهم اردیبهشت ماه، دم خروس خانه کارگر از میان دستان محجوب و خانه کارگر بیرون زد. شعار برجسته روز جهانی کارگر این مزدوران سرمایه چنین بود "کارفرما حیا کن افغانی را رها کن".

برای ما کارگران ایران، کارگران افغانی عزیزترین انسان‌ها و هم طبقه‌ای‌هایمان هستند.

عزیزان، مطمئن باشید و بدانید ما کارگران ایران علیه این مزدوران سرمایه و کارخانه دارانی از قبیل محجوب و صادقی و خانه کارگر و مجموعه اراذل و اوباشی هستیم که در سایه دولت و تدبیر و امید سرمایه‌داران فرصتی برای ابراز وجود پیدا کرده‌اند.

اینان در آخرین لحظه‌های مرگ و نابودی شان، پرچم تحمیل فقر و فلاکت و انزجار طایفه‌ای و ملی را بر علیه طبقه کارگر بدست گرفته اند.

عزیزان، از شعار فاشیستی امروز مراسم خانه کارگر و مزدورانش نه تنها نباید رنجی بر تن رنجور شما عزیزان بنشیند بلکه باید بدانید راهپیمائی امروز خانه کارگر در اوج واخوردگی و شکست این جریان فاشیستی رقم خورد.

اینان چنان وحشت زده و درمانده‌اند که راهپیمائی امروز را کودتاگرانه به پیش بردند و این راهپیمائی را بدون اطلاع قبلی ما کارگران از نقطه شروع و مسیر راهپیمائی، از درب لانه فسادشان در مکان خانه کارگر در خیابان ابوریحان به سمت نماز جمعه که فاصله کوتاهی با هم دارند سازمان دادند و اسم آنرا راهپیمائی کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر نام نهادند.

اما شما هم طبقه ای‌هایمان باید بدانید که خواست میلیونها کارگر ایرانی در قطعنانه ۷ تشکل مستقل کارگری ایران بیان شده است.

بدانید که این قطعنامه در تجمع کارگری (علیرغم سرکوب و بگیر و ببند) که در مقابل مجلس شورای اسلامی در روز هشتم اردیبهشت ماه با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران برگزار گردید قرائت شد و پس از تائید آن از سوی کارگران شرکت کننده در تجمع، رسما به مجلس شورای اسلامی تحویل گردید.

ما در اتحادیه ازاد کارگران ایران این قطعنامه را به پیوست این بیانیه بار دیگر منتشر و بدینوسیله همبستگی خود را با شما کارگران مهاجر افغانستانی در ایران و کل طبقه کارگر این کشور و همه کارگران جهان اعلام میکنیم.

زنده باد همبستگی کارگران جهان، زنده باد اتحاد و به هم پیوستگی کارگران ایران با کارگران افغانستان

اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در محکومیت موج جدید بازداشت فعالین کارگری در آستانه اول مه مه روز جهانی کارگر

کارگران ، تشکل‌های کارگری ، انسان‌های شریف و آزاده

همانگونه که مطلع هستید از چند ماه پیش فشار بر فعالین کارگری و مخصوصا فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی در شهر سنندج افزایش یافته است ، در ادامه این فشارها و بازداشت‌ها در ۲ روز گذشته محمود صالحی و پدرام نصراللهی از فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شهرهای سقز و سنندج و همینطور عثمان اسماعیلی فعال کارگری و سخنگوی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد در شهر سقز و داوود رضوی و ابراهیم مددی از اعضا سندیکای واحد در شهر تهران از سوی ماموران امنیتی بازداشت شدند و بسیاری دیگر از فعالین کارگری در شهرهای مختلف احضار ، تهدید و یا مورد بازجویی قرار گرفتند

کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد ضمن محکومیت تهدید ، احضار و بازداشت فعالین کارگری در شهرهای مختلف از جمله بازداشتی‌های اخیر سنندج ، سقز و تهران خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و فعالین کارگری زندانی است ، باید به عرض برسانیم تا زمانی که فقر ، ظلم و استثمار وجود دارد صفوف اعتراضی کارگران و فعالین کارگری هر روزه مستحکم تر و متحد تر میگردد و احضار ، تهدید ، بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و کارگران پیشرو جنبش کارگری ایران را مرعوب نخواهد کرد.

کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد

تداوم تهدید و فشار نیروهای امنیتی بر فعالان کارگری و فعالان ایجاد تشکل سراسری

در چند ماه اخیر تعدادی از فعالان ایجاد تشکل سراسری کارگری به انحای مختلف تحت فشار و تهدید قرار گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱- فردین میرکی پس از بازداشت یک‌ماه اکنون به ۹ ماه زندان محکوم شده است

۲- ریبوار عبدالهی دوران محکومیت یک‌ساله خود را می‌گذراند

۳-یدی صمدی به ۵ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

۴- کوروش بخشنده قریب به ۲ ماه است که در بی‌خبری از بستگان و دوستان در بازداشت به سر می‌برد

۵- محمود صالحی و عثمان اسماعیلی و پدرام نصرالهی که در استانه روز جهانی کارگر دستگیر شدند

تمام این گیر و بست‌ها و محکومیت‌ها در سال گذشته در حالی صورت گرفته است که این فعالان کارگری بدون هیچ جرم و اتهام مشخصی بازداشت شده و محکوم گردیده‌اند و از آنجا که آنان از فعالان سرشناس ایجاد تشکل سراسری بوده‌اند، در حقیقت نیروهای امنیتی خواسته‌اند با دستگیری و فشار بر آنان به سایر فعالان این حوزه اخطار دهند غافل از آنکه فعالان کارگری که در پی ایجاد تشکل سراسری هستند از این اعمال مرعوب نشده و به راهی که اعتقاد دارند ادامه می‌دهند. این واقعیت انکارناپذیر است که درجه رشد مبارزات کارگران و زحمت‌کشان به مرحله ای رسیده است که تشکل‌های سراسری ضرورت تداوم آن است و نمی‌توان با این گونه اعمال از این واقعیت جلوگیری کرد.

محافل ضدکارگری که در چند وقت اخیر تلاش کرده‌اند با تخریب چهره‌های سرشناس ایجاد تشکل سراسری به هر ترتیب در راه پیشرفت آن سد و مانع ایجاد کنند و از آن ناکام ماندند، اکنون به گمان خود با ایجاد جو ارعاب می‌خواهند از پیشرفت آن جلوگیری کنند.

ما از همه نهادهای کارگری داخلی و بین المللی می‌خواهیم تا در برابر این تهاجمات جدید به فعالان کارگری، ساکت ننشسته و ضمن محکومیت این بازداشت‌ها خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه فعالین کارگری و اجتماعی در بند از هر قشر و گروه هستیم. فعالان ایجاد تشکل سراسری